

بنابر این مدهی باید ثابت کند که این شهود تصدیق هویت نداشته اند یعنی اثبات نفی بکنند.

باین معنی که باید اثبات یک چیزی را بکنند که غیر ممکنست پس اگر ما بخواهیم مقصودمان از این ماده حاصل شود بقیده بنده بین دو چیز باید واقع شود.

با بایستی در این ماده ذکر شود که مأمور سبج احوال مکلف است تصدیق نامه را که حکومت محل یا نظمیة ناگذر داده است در آرشو خودش ضبط کند.

یا اینکه مأمور سبج احوال مجبور است قید کند که چنین ورقه هویتی با ارائه شده است و بعد از تحقیقات خودش معروفیت آن شهود را تصدیق میکند در این صورت باید در نظر داشت که اصلاً مسئول خود مأمور است.

در سایر ممالک دنیا هم مسئول خود مأمور است.

باید خودش در زیر هر ورقه ثبتی مخصوصاً یا خط خود ذکر کند که شهود پیش من معروفند و من صحت عمل آنها را تصدیق می کنم اگر غیر ازین باشد اسباب زحمت میشود مأمور هر طور دلش میخواهد میکند و در آتیه متوسل باین خواهد شد که مطابق قانون آن روزی که ایشان آمدند ورقه هویت در دستشان بود.

زهم مخبر کمیسیون - همانطور که آقای دکتر آقایان توضیح دادند مقصود از این عبارت تصدیق هویت شهود از طرف نظمیة یا مأمورین حکومت بشود اینست که استحکام عمل بیشتر بشود و البته آن مأمور سبج احوال این تصدیقها را در حکم سند خرج باید با خودش داشته باشد و هیچ محتاج نیست این مسأله در اینجا ذکر شود در اینجا نوشته شده است مأمور سبج احوال با شهادت دوفر که هویت آن ها از طرف نظمیة یا مأمورین سبج احوال اطلاع بدهد این اشخاص باید هویت خودشان را در دست داشته باشند.

اولاً این را عرض کنم پس از اینکه این قانون گذشت تمام اشخاص دارای ورقه سبج احوال هستند البته آنکس که در بملش باشد و بیاید شهادت بدهد آن خودش ورقه هویت است.

ولی این تا کید را برای این گذاشتند که مباد آن ورقه سبج احوال را یک وقتی هوضی بیاورند یا یک تقبلی در کار باشد و ممکنست هم تصدیق بیاورند و هم بای دفترى را که شهادت در آن ثبت میشود امضاء کنند و البته آن تصدیقی که در دستشانست مثل سند خرجست و مأمور سبج احوال که در مجلس ضبط می کند و هیچ اشکالی باقی نمی ماند.

نایب رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب - موافقم  
(بعضی گفتند مذاکرات کافیست)  
نایب رئیس - عده برای رأی کافی نیست.

کازرونی - بنده پیشنهاد تنفس میکنم.

(همه بین نمایندگان)  
نایب رئیس (بعد از چند دقیقه تأمل) - با بودن مسائل مهمه در دستور حقیقه وقت گرانهای مجلس شورای ملی معطل ماندن مایه تأسفست بنابراین آقایان تصویب میکنند جلسه را ختم میکنند.

(در این موقع دو ساعت قبل از ظهر مجلس ختم شد)  
نایب رئیس مجلس شورای ملی  
سید محمد تهرنین  
منشی  
منشی دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه یکصد و هفتاد و سوم**  
**صورت مشروح مجلس**  
**پنجشنبه هفتم خرداد**  
**۱۳۰۴ مطابق پنجم ذیقعد**  
**سنه ۱۳۴۳**

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل گردید)

(صورت مجلس سه شنبه پنجم خرداد را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند)

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده در دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - بنده هم در دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای دکتر امیر خان اعلم (اجازه)

دکتر امیر خان اعلم - بنده هم قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای حاجی حسن آقا (اجازه)

حاجی حسن آقا - بنده هم قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده میخواستم تقاضا کنم (بیش نهادی هم تقدیم کرده ام) نظر با اهمیت لایحه انحصار قند و چای و موقی که برای موجبات آن فراهم شده است امروز آن لایحه جزء دستور و در درجه اول واقع شود.

(پیش نهادشان بمضون ذیل قرائت شد)

پیش نهاد میکنم راپرت کمیسیون قوانین مایه راجع بمالیات قند و شکر جز دستور امروز گردد.

رئیس - مخالفی ندارد؟ آقایانی که این پیش نهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)  
رئیس - تصویب شد. آقای رهنما (اجازه)

رهنما - مقصود بنده هم همین بود که آقای یاسائی فرمودند. دیگر عرضی ندارم.

رئیس - آقای دکتر امیر خان اعلم (اجازه)

دکتر امیر خان اعلم - چندین ماه است که آقای میرزا پدالله خان پیش نهادی راجع به خشکاندن سیاه آبهای شهر یاروچمن کمال آباد تقدیم کرده اند.

این مسئله چون در بته اجمال ماند و از نقطه نظر صحبه عمومی فوق العاده مهم است بنده اجازه خواستم بقدر یک دقیقه توضیحات مختصری

بدهم و از کمیسیون محترم فوائدها متقاضا کنم در آن پیش نهاد توجهی بفرمایند.

دراوائل جنگ بین المللی وقتیکه قشون اجانب مملکت مارا میدان ناخوت و تاز خود قراردادند

علاوه بر صدماتیکه بر ما وارد آوردند یک سوقاتی هم برای ما آوردند که امراض بود و همین مرض گلو میری هم از آن وقت پیدا وما برای جلوگیری از امراض ناچار شدیم که اقداماتی بکنیم حتی برای حفظ مرکز ناچاراً در کرج قرائطینه تأسیس کردیم.

آن وقت طبیعی است که برای ریاست قرائطینه فرستاده بودیم در ضمن راپرتهایش می نوشت ما از وبا جلوگیری کردیم ولی یک مرض این جا است که بدتر از وبا است و آن مالاریا است.

مالاریا در شهر یاروچما بعضی اوقات بدتر از وبا است و در بتهست و چهار ساعت اشخاصی را تلف میکند.

در این موضوع اداره حفظالصحه هم پیش نهادهای متعددی نمود ولی متأسفانه بی اثر ماند

وقتیکه آقای آقا میرزا پدالله خان پیش نهاد خودشان را تقدیم مجلس کردند و آقایان نمایندگان هم با آن اظهار علاقه مندی که نسبت بصحبه می فرمودند امید میرفت هر چه زود تر پیش نهاد ایشان تصویب شود و از این

بلای عظیم جلو گیری شود.

بنده عرض میکنم اگر هر قدر هر هفته هر ماه در این موضوع تأخیر شود جان عده از ایرانین در معرض مهلکه است.

بعضی از نمایندگان - دستور.

حاج حسن آقا - بنده هم اجازه

خواسته بودم.

رئیس؟ وارد دستور شویم؟

بعضی از نمایندگان - بلی دستور.

حاج حسن آقا - این جا جای حرف زدن است.

(صدای زنک رئیس)  
رئیس - خبر کمیسیون قوانین مایه از ماده اول مطرح است.

(ماده اول بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۱ - خرید و فروش و صدور گن قند و شکر و مواد قندی که وارد خاک ایران می شود منحصر بدولت است این انحصار موسوم به (انحصار دولتی قند و چای بود)

به هیچ کس و به هیچ شرکتی اعم از داخل یا خارجه داده نخواهد شد.

رئیس - آقای مصدق السلطنه.

(اجازه)

مصدق السلطنه - در این ماده عرضی ندارم.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - موافقم.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - ماده اول راپرت اول کمیسیون با ماده اول این راپرت فرنی که کرده است که حمل و نقل را از آن حطل کرده اند

ولی مواد قندی اضافه شده که حلویات و مرباجات و امثال آنها باشد بنده اصولاً مخالف نیستم که یک مالیاتهایی که سهل الوصول باشد و مستقیماً مأمورین با عموم مردم طرف نباشند و در یک نقطه زمین جلوش را بگیرند و مبلغی برای خزانه مملکت دریافت شود.

طرف خطاب من در این موضوع دولت نیست.

همکارها و رفقای خودم میباشند. حقیقتاً وقتی هم این مجلس تمام شد اگر اشخاصی که مارا فرستاده اند این جا برسند نشا در این دوره برای ما چه کرده اند چه جواب بدهیم؟

ما یک مالیاتهایی برای آنها وضع کرده ایم. مالیات دخانیات بود که مجلس آمد و با یک طرزى که خیلی اسباب زحمت و شکایت مردم شد گذشت.

این مالیات قند و شکر و چای هم تصویب مجلس خواهد گذشت

ولی لایحه راه آهن آن را ما هنوز ندیده ایم و نمی دانیم دولت موفق خواهد شد.

در این دوره آن را بمجلس بیاورد با خیر می افتد بدوره های بعد؟ آیا افتخار گذراندن لایحه راه آهن نصب مایى شود یا نصب دیگران؟

مجلس چهارم باز یک کارهایی کرد یک بودجه هرچ و مرجی را روی آورد

آورد و منظم نمود . سال اول بودجه چهار دیواری و سال دوم بودجه تفصیلی گذرانید و برای مملکت يك بودجه منظمی ترتیب داد .

مادر مقابل این مالیات ها که وضع میکنیم اگر آن مالیات های کثیف سابق را بر میداشتیم حقیقتاً باز پیش موکلین خودمان شرمند نبودیم و به آنها می گفتیم مادر در نیای امروزه خواستیم بطریق امروز قدم برداریم آن مالیاتهای زمان استبداد را برداشتیم و بجای آن اصول جدیدی گذاریم که اسباب آسایش عموم است بنده در شور اول هم عرض کردم خوبست این مبلغ را که دولت در نظر گرفته است برای تاسیس راه آهن يك ده يك هم بر آن علاوه کند مثلاً يك من دو قران قند بشود يك من دو قران و يك ماسی و صد و هفتاد قلم مالیات های کثیف را لغو کنیم که راحت باشند

پیشنهاد هائی هم که برای اصلاح این ماده شده بود بنده هر چه در این ماده نگاه میکنم چیزی از آن اصلاحات در این ماده اضا نشده است

فقط مواد قندی را هم اضافه کرده اند و مغالتهائی که در شور اول در این ماده و سایر مواد میشد حالا هم باقی است

و بنده باین جهت فعلاً باین ماده مخالفم تا در سایر مواد عرض را عرض کنم

**مخبر** - اول اینکه آقای حائریزاده فرمودند اگر دوره پنجم تمام شد از ما سؤال کردند چه کرده اید چه بگوئیم ؟

يكی از آن چیز هائی که وقت برگشتن بمحل های خودمان خواهیم گفت همین مسئله است که انشاء الله اگر امروز این لایحه گذشت بگوئید يك کاری را که سالهای سال آرزو و آمال تمام ملت بود انجام دادیم

و آن لایحه خط آهن بود و اگر هزار کار دیگر شما برای آنها می کردید مثل اینکار نبود

و باین اندازه از شما خوشنود نمیشدند و اینکه فرمودید ما مالیات هائی وضع کرده ایم مایک مالیات های مستقیم زیادی وضع نکرده ایم فقط يك

مالیات دخانیات بود که آنها غیر مستقیم است و از اشخاص سیگار کش و قلیان کش گرفته می شود و این هم يك مالیات فوق العاده نبوده است

و اما اینکه فرمودید ما نمیدانیم لایحه خط آهن در این دوره می آید یا نه؟

البته تصدیق میفرمائید اول ما باید عایدات را پیشنهاد کنیم

آنوقت بگوئیم لایحه خط آهن را بیاورید چنانچه ملاحظه میفرمائید در شور دوم با موافقت خود دولت يك ماده اضافه شده است

که هر چه زودتر لایحه خط آهن را به مجلس بیاورند و از تصویب مجلس

بگذرد .

و اما يك قسمت در آخر فرمودند در شور اول هم عرض کردم و استدعا دارم این مسئله را تکرار فرمائید .

اضافه کردن يك ده يك و لغو کردن آن مالیات هائی که منظور نظر آقا است عنقریب عمل لغو خواهد شد .

وقتی این قانون گذشت بلافاصله قانون ممیزی که راپورت آنهم از طبع خارج شده است جزء دستور خواهد شد

و در آنجا يك ماده دارد که تمام مالیات های سابق که نص صریح تصویب مجلس در آنها نیست تماماً ملغی است

و يك قانون دیگر هم داریم که راجع بمالیات های صنفی است که بعد از قانون ممیزی بمجلس خواهد آمد

که در آن هم يك ماده هست که تمام مالیات های صنفی که تا آن تاریخ بوده است ملغی است

آنوقت بکلی نظر آقا تأمین می شود .

در این ماده هم در شور اول بقدر کفایت مذاکره شده است و گمان میکنم بهتر این باشد که آقایان تشریح بفرمائید شاید این لایحه امروز بگذرد که وارد سایر کارها بشویم .

**روحی** - لفظ چای در ماده اول قبل از قند افتاده است باید اضافه شود

**بعضی از نمایندگان** - ملایکرات کافی است

**رئیس** - چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای طهرانی این بنده پیشنهاد مینمایم که مواد قندی تبدیل شود به (موادی که از قند و شکر بعمل می آید)

پیشنهاد آقای دولت آبادی بنده پیشنهاد می کنم بجای مواد قندی نوشته شود :

و هر چه از قند و شکر ساخته شود

**رئیس** - آقای طهرانی (اجازه)

**طهرانی** - مواد قندی کشمش و خرما و همه اینها را شامل میشود و حال این که مقصود از این لایحه این نیست که از آنها هم مالیات گرفته شود .

غرض این است که فرضاً آب نبات یا شیرینی که از خارج می آورند از آنها يك من دو قران گرفته شود که اصناف شیرینی فروش و آب نبات درست کن بیگنا نشوند پس مراتب و شیرینی جاتی که از خارج می آورند آنها را باید ضمیمه کرد به این جهت بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود :

موادیکه از قند و شکر عمل می آید

**رئیس** - آقای دولت آبادی (اجازه)

**دولت آبادی** - بنده در شور اول پیشنهاد کردم که بعد از قند و چای نوشته شود حلویات

و مقصود ما این بود که از ورود چیز هائی که از قند و شکر ساخته میشوند جلو گیری شود .

حالا اینجا نوشته اند مواد قندی خیلی از چیز هائی است که مواد قندی دارند و جزء شیرینی جات هم نیستند .

و تشخیص این مسئله اسباب زحمت خواهند بود .

بهتر این است بجای مواد قندی نوشته شود هر چه از قند و شکر ساخته میشود

**مخبر** - بجای مواد قندی حلویات می نویسیم .

**وزیر فواید عامه** - غیر همانطور که در کمیسیون هم مذاکره شد نوشتن حلویات را زیاد تر میکند

خیلی از چیزها است که بعنوان حلویات نامیده میشوند .

ولی از قند و شکر نیست .

پس با اینکه بعقیده ما مواد قندی یعنی همان چیز هائی است که از قند و شکر ساخته میشود .

ولی اگر آقایان عبارت را کاملاروشن نمی دانند نوشته شود چیز هائی که از قند و شکر ساخته می شود .

**رئیس** - دولت قبول کرد ؟

**وزیر فواید عامه** - بلی

**رئیس** - کمیسیون هم قبول میکند

**مخبر** - بلی بعد از مواد قندی در بین الهالاین نوشته شود :

آنچه از قند و شکر ساخته میشود

**رئیس** - پیشنهاد دیگر (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد آقای کاشانی بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول اینطور نوشته شود

ماده اول - خرید و فروش و صدور کلیه قند و شکر و حلویات که وارد خاک ایران می شود مادامی که کارخانه قند در ایران دائرنشده

منحصر بدولت است الی آخر

باشند یکی از مختصات این لایحه که پیشنهاد شده است همین است که این انحصار وسیله شود که در داخله قند و چای و شکر تهیه شود .

حالا می فرمایند تا وقتی که در داخله تهیه شد انحصار برداشته می شود تصور نمیکنم این پیشنهاد لزومی داشته باشد

**رئیس** - آقایانیکه پیش نهاد آقای کاشانی را . . .

کاشانی - مسترد کردم .

**رئیس** - پیشنهاد آقای شیروانی ( باین موضوع خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه مواد قندی ( حلویات ) نوشته شود .

شیروانی - بنده نمیدانم اگر آقای مخبر قبول کردند بنده عرضی ندارم .

مقصود از حلویات همان شیرینی جاتی است که از خارجه وارد می شود .

**وزیر فواید عامه** - آقایان زیاد فراموش بفرمایند که این لایحه وضع مالیات نیست

که ما بگوئیم از حلویات هم مالیات بگیرند این لایحه انحصار قند و شکر است بدولت و آنچه از قند و شکر ساخته می شود در این صورت نیاستی حلویات هم ضمیمه شود که حتی شو کولات را هم شامل بشود .

لهذا باید عبارت را طوری نوشت که عمومیت نداشته باشد و بهتر همین است که نوشته شود قند و شکر و آنچه از قند و شکر ساخته میشود .

**رئیس** - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شیروانی .

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

( چند نفری قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد .

پیشنهاد آقای کازرونی :

( اینطور خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول اینطور تنظیم شود .

ماده اول - خرید و فروش کلیه قند و شکر و چای و حلویات و مراتب و دخانیات و کاکائو وارده از خارجه منحصر بدولت است و این انحصار مرسوم به ( انحصار دولتی قند و چائی ) بوده و به هیچکس و به هیچ شرکتی امم از داخله و خارجه داده نخواهد شد .

کازرونی - در پیشنهادی که بنده تقدیم کردم کلمه صدور را حذف کردم و در شور اول هم عرض کردم که کلمه صدور زائد است .

بدلیل اینکه مادر اینجا مینویسیم وقتی از دولت اجازه گرفت و حق انحصار را پرداخت آزاد است .

فرض میکنم بکنفریس از وارد کردن قند و دادن حق انحصار خواست صادر کند چه مانعی دارد ؟

کاشیک طوری میشد که دولت ایران



برای دیگران برای ملل همجوار قندوچای صادر میگرد.

بنده هرچه فکر میکنم فلسفه و دلیلی برای این مسئله نمیبینم. حالا آقایان اصرار دارند صدور هم منحصر بدولت باشد باشد ولی این عقیده بنده بود که عرض کردم و این مربوط بترانزیت هم نیست ترانزیت آزاد است و البته باید هم آزاد باشد.

بنده پیشنهاد کرده ام نوشته شود قندو شکر و حلوبات.

اینجا نوشته شده است مواد قندی مواد قندی یعنی مواد قندی خالص یا مر کب؟

و اینطور که بنده پیشنهاد کردم حلوبات معلوم است مقصود شیرینی جانی است که از خارجه می آورند.

در صورتیکه از شیرینی های اینجا هم بهتر ساخته میشود ولی همان چیزهاییکه اینجا یک نم دو تومان می فروشند از خارجه که می آورند یک نم بیست تومان می فروشند این است که بنده پیشنهاد کردم که اینها هم منحصر بدولت باشند.

و همچنین در خصوص کاکائو که یک چیز زانندی است و پولی که در بهای کاکائو داده می شود پول بیورد است.

اما سیگار و دخانیات که بنده در این جا ضمیمه کرده ام گمان میکنم محتاج نباشد که در این باب توضیحاتی بدهم.

و اگر چنانچه قبول فرمایند دخانیات هم اضافه شود هم یک خدمتی نسبت بدخانیات ایران شده است و هم یک منفعتی عاید دولت شده است.

بعضی از نمایندگان رای بگیری.

رئیس - آقایان مواظب باشید با قایل توجه قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای تدین (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود که سطر آخر ماده اول بطریق ذیل مقرر شود

و بهیچکس و هیچ دولتی و بهیچ شرکتهای اعم از داخله و خارجه قایل انتقال نیست

تدین - د ماده اول نوشته شده: انحصار خرید و فروش و صدور قند و شکر و مواد قندی که وارد خاک ایران میشود منحصر بدولت است.

این انحصار موسوم بانحصار دولتی قند و چای بوده و بهیچکس و بهیچ شرکتهای اعم از داخله و خارجه داده نخواهد شد.

در اینجا بنده عقیده بنده کلمه دولتی لازم است باید نوشته شود: بهیچکس و بهیچ دولتی برای اینکه اگر کلمه دولتی اینجا نباشد

(البته در این اوقات این خیال نمی شود) ممکن است در پانزده یا بیست سال

دیگر وضعیاتی پیش بیاید که از نبودن این کلمه دولتی دولتی در اینجا استفاده شده و بیک دولتی انتقال بدهند

بنابراین کلمه هیچ دولتی در این جا لازم است

بندم اینجا نوشته شده است اعم از داخله یا خارجه داده نخواهد شد و بنده بنده این عبارت مقصود را تأمین نمیکنم باید یک عبارتی نوشته شود که آن عبارت دلیل باشد که قایل انتقال نیست یعنی اگر فرضاً یک معامله با خلاف قانون هم واقع شود و اولاً قلم باشد بنابراین اینطور پیشنهاد کردم بهیچ کس و بهیچ دولتی و بهیچ شرکتهای اعم از داخله یا خارجه قایل انتقال نیست

مخبر - مقصود کبسیون و دولت هم همین بود که آقای تدین توضیح دادند و این کلمه انتقال هم با در طبع اشتباه شده است یا بنده اشتباه کرده ام

علی ای حال چون پیشنهاد ایشان عین پیشنهاد مقصود دولت و کبسیون است قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر (بضمون آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای دکتر امیر خان اعلم - بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول پس از لفظ مواد قندی عبارت (غیر از شرتهای طبی) بین الهالین علاوه شود

دکتر امیر خان اعلم - ممکن است در آتی برای دواجات طبی تولید اشکال شوند زیرا بعضی دواجات را بعنوان شربت میآورند و شیرین هم هست ولی دواجات داخل دارد خوبست مخبر معترض قبول کنند که شرتهای طبی استثناء شود که اشکال فراهم نشود

مخبر - برای مجلس واگذار می کند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قایل توجه میدانند قیام فرمایند (جمعی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده اول با اصلاح آقای دوات آبادی و پیشنهاد آقای تدین که کبسیون قبول کرد قرائت می شود و رای میگیریم (اینطور خوانده شد)

ماده اول - خرید و فروش و صدور کلیه چای و قند و شکر (و آنچه از قند و شکر ساخته میشود) که وارد خاک ایران میشود منحصر بدولت است

این انحصار موسوم به (انحصار دولتی قند و چای) بوده و بهیچکس و بهیچ دولتی و بهیچ شرکتهای اعم از داخله و خارجه قایل انتقال نیست

رئیس - رای میگیریم بماده اول به ترتیبی که قرائت شد

آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم (اینطور خوانده شد)

ماده ۲ - پس از تصویب این قانون وارد نمودن - خریدن - نگاهداشتن - انبار کردن و صادر نمودن قند و چای و شکر در تمام مملکت ایران بنابر اوضاع و احوال (انحصار دولتی قند و چای) ممنوع می باشد مگر پس از تحصیل اجازه از وزارت مالیه و صدور این اجازه بدون هیچ نوع تبعیض بعمل خواهد آمد و تحصیل جواز برای تأدیه حقوق انحصاری مستلزم هیچگونه مخارجی نیست

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - این لایحه بنا این پیشنهادها در روز غروب بنده رسیده و فرصت اینک که کاملاً مطالعه کنم پیدا نکردم ولی نظری که بنده در شور اول داشتم تأمین نشده بنده انحصار دادن تجارت قند و چای را بدولت نظر بمصالحی موافقم ولی سایر چیزهای را بکلی مضر میدانم

برای چه انحصار انبار کردن و نگاهداشتن و صادر کردن را بدولت واگذار کنیم؟

فرضاً قند و شکری که بنده در داخله دارم میخوام بخارجه حمل کنم و برای مصرف داخله میخوام دولت چرا باید من تاجر من فرضاً مقداری جنس وارد کردم دولت باید بگوید چون انحصار انبار کردن با من است تو نباید جنس خود را انبار کنی؟

این هیچ فلسفه ندارد جز اینکه تاجر که یک اجازه نامهای میگیرند در سایه تحصیل آن اجازه تجارت قند و شکر میکنند بزحمات زیادی دچار شوند و بنده باین ترتیب مخالفم

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - در شور اول راجع باین ماده توضیحاتی داده شد که منظور دولت از این مواد انحصار دادن و ممنوع کردن تجارت قند و چای است بخودش

در این صورت وقتی که دولت قند و چای وارد میکند نمیشود گفت قند و چای را خودت انبار و نگاهداری نکن قند هم مثل سایر چیزهای دولت است وقتی که از خارجه وارد کرد خودت باید نگاهداری و اینکه فرمودند اسباب زحمت تیار میشود گمان نمیکنم اینطور باشد و هیچ ضرری برای تاجر نخواهد داشت و هیچ اشکالی هم ندارد

وزیر فواید عامه - در آخر ماده بجای برای تأدیه باید نوشته شود سوازی تأدیه

جمعی از نمایندگان - مذاکران است

رئیس - پیشنهادها قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو - بنده پیشنهاد می کنم قسمت خریدن - نگاهداشتن - انبار کردن و صادر نمودن قند و چای و شکر از ماده ۲ حذف شود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده نمی دانم مقصود دولت از این ماده چیست؟ بنده این ماده را کاملاً بضرر تاجر و مردم می بینم مقصود چیست؟

آیا مقصود این است که تاجر بکلی دست از تجارتش بکشد و دولت مثل بعضی از ممالک تجارتخانه خارجی باز کند؟ این ترتیب که اینجا پیش بینی نشده است بلکه وقتی که این ها منحصر بدولت شد هیچ معلوم نیست دولت قیمت را بکجا خواهد برد ممکن است دولت قیمت را بجایی ببرد که افراد بکلی از خریدش عاجز شوند.

(همه نمایندگان - صدای زنک رئیس)

ارباب کیخسرو - حالا آقایان می خواهند بضرر تاجر رای بدهند مختارند ولی اجازه فرمایند بنده حرفم را بزنم

بعلاوه آنجائیکه در این لایحه می گوید اگر بعضی اشخاص بخواهند وارد کنند می توانند حقی که معین شده است بدهند و وارد کنند.

آن منافعی باین فحمت است زیرا آنجا میگوید پس از دادن حق و گرفتن جواز اینجا میگوید انبار کردن هم بدولت است و این چیز غریبی است پس تاجر که وارد کردند کجا بریزند چه کند؟ خوبست یک دقتی در این مواد بشود بدهند.

وزیر فواید عامه - بنده هیچ منتظر نبودم و آقای ارباب کیخسرو یک چنین اعتراضی فرمایند که هیچ وارد نباشد زیرا بدیهی است وقتی دولت یک عملی را منحصر بخودش میکند باید تمام موجبات اجرای عملی انحصار را فراهم کند.

حالا علت اینک دولت این مسئله را منحصر بخودش کرده بود بنده نمیخوام وارد آن مبحث بشوم.

در حال دولت برای ساختن راه آهن در نظر دارد تجارت قند و شکر را منحصر بخودش بکند.

وقتی که این اصل محرزشد تصدیق می فرمائید که باید تمام معاملات مربوط به انحصار در دست دولت باشد.

نمی شود گفت دولت انحصار دارد ولی سایرین هم حق دارند وارد کنند و انبار نمایند.

بعلاوه در خود ماده پیش بینی شده است وقتی کسی اجازه گرفت و شرائط انحصار را رعایت کرد همان طور که حق ورود و خرید و فروش را دارد حق انبار کردن و نگاهداشتن را هم خواهد داشت و اگر کسی شرائط انحصار را رعایت نکرد که البته اجازه هیچیک از اینها باو داده نمی شود.

اما اینکه اعتراض فرمودند دولت قیمت را بخرجا که دلش میخواهد بالا می برد اینطور نیست.

اگر ماده سوم را ملاحظه میفرمودند این اعتراض را نمی فرمودند.

در ماده سوم میگوید: مؤسسه انحصار دولتی قند و چای در موقع فروش بر قیمت ورودیه هر یک من ششصد و چهل و شش و شکر دو قران و یک من ششصد و چهل و شش قران اضافه خواهند نمود پس دولت مقید و محدود است و حق ندارد قیمت قند را از دو قران و قیمت چای را از شش قران بالاتر ببرد.

بنابراین دولت قصد ندارد بواسطه اجازه انحصار قند و چای و شکر هر طور دلش میخواهد با مردم معامله کند و نسبت بآنها تعدی نماید.

مخصوصاً در تبصره هم تصریح میکنند که مقصود از قیمت ورودیه جمع کل مخارج بنابر این اعتراضی که فرمودند ندارد نیست و البته همانطور که سرکار مایل به نگاهداری مال تجار و مردم هستند دولت هم همین طور مایل است.

و عیناً همین نظر را دارد رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قایل توجه میدانند قیام فرمایند (جمعی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای بهبهانی (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲ بطریق ذیل اصلاح شود

پس از تصویب این قانون وارد نمودن خرید - صادر نمودن قند و شکر (و مواد ساخته شده از قند و شکر) و چای در تمام مملکت ایران بیه غیر از توسط میباششعمر پس از تحصیل اجازه از وزارت مالیه صدور این اجازه بدون هیچ نوع تبعیض بعمل خواهد آمد و تحصیل جواز سوازی

تأدیه حقوق انحصاری مستلزم هیچگونه مخارجی نیست.

آقایان زاسید احمد بهبهانی - اولاً جهت اینکه بنده ماده را از اول تا آخر پیش نهاد کردم این بود که اولاً آنجا که نوشته بود برای تأدیه حقوق انحصاری غلط بود و بنده سوازی نوشته ام و یکی هم برای این است که در این ماده انبار کردن و نگاهداشتن و صادر نمودن را منحصر به دولت کرده اند و پیشنهاد بنده عین پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو است و فرمایشات آقای وزیر فواید عامه هم بنده را متقاعد نکرد.

بنده عرض میکنم این انحصار بدولت برای این است که دولت یک هایدی پیدا کند برای صرف کردن در یک راه مهمی که راه آهن باشد و البته اینکار بهمان اندازه که لازمه فشار بر مردم و محصر کردن آزادی مردم است بهمان اندازه کافی است و زیاده بر آن لزومی ندارد که ما مردم را محصور کنیم و آزادیشان را از بین ببریم.

البته مطابق ماده اول که تصویب شد خرید و فروش قند و چای و شکر منحصر به دولت است و کسی دیگر هم بدون اجازه دولت نمی تواند وارد کند.

این با اصلاح مابین الزام مالا یزیم است.

چیزی که بنده دخالتی در عایدی اینکار ندارد و لزومی هم ندارد که دولت آزادی مردم را از دستشان بگیرد چرا مابین اضافه کنیم؟

این است که بنده پیشنهاد کردم قید حمل و نقل و انبار کردن و صادر کردن از این جا برداشته شود.

و کلمه برای تأدیه راهم چون قبلاً این پیشنهاد را نوشته بودم (سوازی) کرده بودم که آقای وزیر فواید عامه توضیح دادند.

مخبر - بنده خیال میکنم درست توجه نفرموده اند و مطابق این توضیحی که دادند یک اشتباهی برای آقا حاصل شده است در صورتیکه اینطور نیست بلی تمام این حقوق برای دولت هست ولی یک مگر هم دارد (مگر پس از تحصیل اجازه از وزارت مالیه) یعنی وقتی که تاجر تحصیل جواز کند آن وقت در تمام این کارها مجاز است اینکه اشکالی ندارد.

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای بهبهانی - آقایانیکه قایل توجه میدانند قیام فرمایند (ممنودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۲ اینطور تنظیم

شود.

ماده ۲ - پس از تصویب این قانون بدون اجازه مؤسسه انحصاری قند و شکر و چای و مواد قندی ممنوع خواهد بود و این اجازه بدون تبعیض داده خواهد شد.

کازرونی - دولت یک نیت مقدسی دارد که از یک ممری که بعقیده ما و ایشان مستلزم فشار زیادی بر مردم نیست و همانطور که توضیح دادند شاید در نتیجه این مسئله باعث شود که ما خودمان در مملکت قند و شکر بعمل بیآوریم یک قانونی بگذارند و بالاخره از یک من قند و شکر ۲ قران و از یک من چای شش قران گرفته می شود و بصرف آن نیت مقدس برسد.

بنده در جلسه قبل قسم بجلاعه خوردم که بنده موافقم و حالا هم می گویم والله موافقم آقایانیکه قیل از مذاکره شدن مذاکره را کافی می دانند گمان میکنم مقتضی نباشد البته صلاح نیست که نگذارند در مجلس شورای ملی هر کس عقایدش را آزادانه اظهار کند.

بعضی از نمایندگان - (بطور همه) آزادی تعلق برای همه کس هست کازرونی - اجازه فرمایند. اگر بنده غلط عرض کردم بعد آقایان تشریف بیآورند فرمایند غلط گفتمی.

بنده عرض میکنم بگذارید مطالب گفته شود یک لایحه امروز صبح بدست بنده داده اند و هنوز هم بنده مطالعه نکرده ام میخوام پیشنهاد کنم نمی دانم چطور پیش نهاد کنم میخوام حرف بزنم که جواب بدهند تا متقاعد شوم میفرمایند مذاکرات کافی است.

یک قانونی که از مجلس می گذرد البته بایست در اطرافش درست دقت شود.

اینجا مقدمه بود که جسامت کردم - اینجا میگوید: پس از تصویب این قانون وارد نمودن خریدن - نگاهداشتن - انبار کردن - صادر نمودن - منحصر بدولت است بنده عرض می کنم قبل از آنکه از دولت اجازه بگیریم ممکن است در خارجه قند بخریم از آن طرف خرید و فروش قند و شکر در مملکت ممنوع است.

پس من چکنم ؟ بنده می دانم مقصود دولت این نیست اما چکنم که لفظ اینطور میسراند بنده عرض میکنم که لفظ را باید اصلاح کرد میفرمایند انبار کردن خریدن و فروختن و بالاخره تمام این عملیات از خصائص دولت است مگر با اجازه ممکن است فردا من بروم و اجازه بخواهم و آن وقت شما بمن اجازه فروختن و انبار کردن و نگاهداشتن

بدهند و این که در اینجا ذکر شده ( تبعیض ) یا اینکه مقصود این است که نسبت به اشخاصی تبعیض نشود ولی باین ترتیبی که نوشته شده تبعیض خواهد شد.

آخر همه روزه که امروز نیست همه وقت هم بکطور نیست.

ممکن است یک وقتی در این قانون در بعضی از موادش یک تناقضی به بیند و یک اشخاصی که خودتان بهتر می دانید در پنج سال در سال دیگر یک سوء استفاده های از این قانون بکنند

غرض بنده این است که طوری نشود فردا اسباب زحمت و اشکال شود والا پیشنهادی هم که خود بنده تقدیم کردم نمی دانم چطور نوشته ام و استرداد می کنم.

رئیس - پیش نهاد آقای ضیاء (بشرح ذیل قرائت شد)

اصلاح ماده ۲ را بر ترتیب ذیل پیشنهاد می نمایم

ماده ۲ - پس از تصویب این قانون وارد نمودن - خریدن - نگاهداشتن - انبار کردن و صادر نمودن قند و چای و شکر و آنچه از قند و شکر ساخته می شود لایخ

رئیس - فرمایند ضیاء - تصور نمی کنم توضیح زیادی لازم باشد.

در ماده اول تصویب شد که قند و شکر آنچه که از قند و شکر ساخته می شود

لذا در این ماده هم همین طور باید تصریح بشود و اگر نشود ممکن است یک رقابتی بین بعضی از طبقات پیش بیاید اسباب زحمت یک عده خواهد شد

مخبر - چون این لفظ در ماده اول ذکر شده و در مواد بعد هم هست لهذا ذکر در این جا لزومی ندارد و تکرار خواهد بود.

رئیس - رای می گیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قایل توجه می دانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای تقی زاده (باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت آخر ماده نوشته شود

و تحصیل جواز سوازی تأدیه عامه هیچگونه مخارجی نخواهد بود.

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - توضیح مفصلی لازم ندارد.



این يك اصلاح عبارتی است چون در اینجا نوشته شده است سواي حقوق انحصاری و این عبارت (حقوق انحصاری) در قانون نیست.

این است که بنده پیشنهاد کردم و تحصیل جواز سواي تأديه اضافه قیمت مذکور در ماده سه نوشته شود.

**مخبر** - اشکالی ندارد قبول می کنم.

**حائز یزاده** - مواد هفت و هشت هم پس باید اصلاح شود

**رئیس** - پیشنهاد آقای یاسانی فرانت می شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم به آخر ماده دوم اضافه شود و حمل و نقل و حمل در نسبت با اینلابه که ادوار گذشته نظیر نداشته است بدولت تبریک بگویم

**رئیس** - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - در لایحه دولت این قید بود که حمل و نقل قند و شکر در تحت نظر دولت باشد

یعنی ممنوع باشد که دیگران متصدی حمل و نقل قند و شکر نباشد در زیر این اولی کمیسیون قوانین مالیه هیط طور ذکر شده بود که حمل و نقل منحصراً بدولت است

بعضی از آقایان اعتراضاتی کردند که این کاریکه مشکلاتی تولید خواهد کرد از این جهت اعضاء کمیسیون قوانین مالیه اعتراضات را وارد دانستند

بنده نمی دانم چگونه این اعتراضات وارد است؟

زیرا حمل و نقل اگر منحصراً بدولت باشد لافاقل باید در تحت نظر دولت باشد والا این قانون در موقع عمل دچار مشکلات خواهد شد

اینست که بنده عقیده دارم حمل و نقل باید در تحت نظر دولت باشد و وقتی که می خواهند يك قندی را از جایی بجائی ببرند باید از دولت اجازه بگیرند

والا عمل قاچاق زیاد می شود.

دولت باید از بیابان قاچاق را بگیرد نه اینکه در دکان یا خانه تاجر بریزند و اگر بخواهند قاچاق بگیرند در عرض راه و طرق خواهد بود نه در جای دیگر از این جهت به عقیده بنده اگر ما بخواهیم با جزاء این قانون موفق شویم

باید لافاقل این کار در تحت نظر دولت باشد و دولت جواز خرید و فروش و حمل بنده والا اجرای این قانون دچار مشکلات خواهد شد.

**رئیس** - رأی می گیرم آقایانی که پیش نواد آقای یاسانی را قابل توجه میدانند (بعضی برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه نشد.

بیش نهاد آقای مصدق السلطنه قرائت می شود.

(این طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد می نمایم که در آخر ماده دوم اضافه شود.

و هر گاه وزارت مالیه در صدور اجازه خورداری نمود تقاضا کنند می تواند از تاریخ تقدیم تقاضا سه روز درمزد کز و پنج روز در ولایات عایداتی که مطابق ماده سیم باید بدولت برسد در نزدیکترین صندوق مؤسسه انحصار محل خود و دیبه گذارده مال التجاره خود را وارد و حمل و نقل و صادر نماید.

**رئیس** - آقای مصدق السلطنه (اجازه)

مصدق السلطنه - بنده اولاً لازم می دانم در نسبت با اینلابه که ادوار گذشته نظیر نداشته است بدولت تبریک بگویم

زیرا این اولین لایحه ایست که مجلس آمده و حقیقتاً بهترین اعمال مردم در این لایحه است که از عایدات آن يك راه آهنی در مملکت آباد شود.

ولی بنده در عین این که موافق هستم اینمایدات بدولت برسد عقیده ام این است ضرری هم متوجه مردم نشود

و بنده تصور می کنم در این موضوع هم اختلافی بین دولت و نمایندگان نیست

زیرا امروز آقایانی که در اینجا تشریف دارند خود آقای رئیس الوزراء هستند که سمت نمایندگی ملت را دارند سایر وزراء مکررست نمایندگی داشته اند و معلوم نیست نظریاتشان از زمان نسبت به مردم کمتر باشد

و همه می خواهیم برای ترقی و تعالی مملکت و برای مردم کار کنیم

در این ماده که نوشته شده هر کس هر کس اجازه بخواهد بدون تبعیض داده خواهد شد این صحیح

ولی کلیه قوانینی که يك سانکسیون و عقابى نداشته باشد

بنده آنها را چندان مورد اثر نمی دانم.

فرض بفرمائید يك قانونی وضع شد برای جلوگیری از تریاک چون در قانون يك عقابى نبود همین قدر نوشتن بعد از فلان مدت کشیدن تریاک ممنوع است مؤثر نشد

البته اگر مجازاتی برای آن ملحوظ می شد خیلی بهتر بود.

اصول تجارت هم همین طور است آقایانی که تجارت کرده اند میدانند که يك تاجری در يك موقعی که موفق می شود پنج دقیقه مال خودش را زود تر بفروشد استفاده میکند و برعکس يك تاجری که پنج دقیقه دیرتر می فروشد ضرری برد مثلا ملاحظه بفرمائید

ممكن است يك وقتی قند در ایران بشود يك من چهار تومان آن تاجری که زود تر وارد می کند از يك من چهار تومان استفاده می کند

ولی آنکه بعد از بیست و چهار ساعت قندش را وارد می کند ضرر می کند بنابراین باید در تجارت باصل آزادی معتقد شد.

در ماده اول بنده کاملاً موافق هستم که دولت بایستی قند و شکر و چای را انحصار بخود بدهد

ولی در ماده دوم که دولت معتقد با اجازه شده است باید ترتیب اجازه را طوری بدهد که اشخاصی که میخواهند تجارت قند بکنند متضرر نشوند

بنا بر این بنده تصور میکنم صدور اجازه با این ترتیبی که فعلاً در ادارات ما در جریان است برای مردم کار آسان و سهلی نباشد

مثلاً يك کسی کاغذی بوزارت مالیه مینویسد بعد از چهل روز باو جواب میدهند ولی يك شخص دیگری که کاغذ مینویسد او خیلی زود جواب میدهند آن وقت به آن کسی که خیلی زود جواز داده اند فوری قند را وارد میکنند و فایده می برد

ولی اگر بنده که تاجر قند هستم و می خواهم با سرمایه شخصی خودم با کمال شرافت زندگی کنم اگر وزارت مالیه نخواست جواز بدهد یا خیلی دیرداد آن وقت چه باید بکنم؟ جز اینکه باید مضمحل بشوم چیز دیگری نیست.

نظریات دولت البته مقدس است ولی همان طوری که مقصودشان ایجاد راه آهن است و میخواهند این کار را عملی کنند همین طور هم بایستی مراعات حال مردم را بکنند و طوری نکنند که آنها متضرر شوند و يك طوری بکنند که تصور نشود این قانون قابل تبعیض است.

خود بنده می بینم يك کسی بوزارت مالیه کاغذ نوشته است فوری باو جواب میدهند و يك کسی دیگر کاغذ مینویسد سه ماه طول می کشد تا به او جواب بنویسد در این صورت تکلیف آن تاجری که سه ماه باو جواب نمیدهند چیست؟

لذا بنده تصور میکنم بهتر این است که اگر يك کسی اجازه خواست و در مدت معینی باو اجازه داده نشد آن شخص حق داشته باشد که آن عایدات يك من دو قران و شش قران را در نزدیکترین صندوق محل خود بگذارد و آن وقت قند خودش را وارد کند.

وقتی که وارد کرد دولت حقوق خودش را بگیرد و باین ترتیب تبعیض دیگر از بین خواهد رفت این عقیده بنده بود دیگر بسته بنظر آقایان است.

مخبر - این پیشنهاد همین همان پیشنهادی است که آقای مصدق السلطنه در شور اول

فرمودند و طبع و توزیع هم شده در کمیسیون هم مذاکره شده است و اعضاء کمیسیون همه همین نظریه را که آقای مصدق السلطنه دارند داشته اند و البته در دادن اجازه نباید هیچ گونه تبعیضی بعمل آید

ولی تصور می کنم این پیشنهادی که فرمودند جلو گیری از آن منظوری که دارند نکنند

برای اینکه در پیشنهاد مینویسند هر گاه وزارت مالیه در صدور اجازه خودداری نمود تقاضا کنند می تواند از تاریخ تقدیم تقاضا سه روز درمزد کز و پنج روز در ولایات عایداتیکه مطابق ماده سه باید بدولت برسد در نزدیکترین صندوق و دیبه بگذارد.

خوب اگر واقعا آن مأموران وزارتخانه نباید تبعیض بکنند این پول را هم قبول نمی کنند.

قانون که می گوید نباید تبعیض کرد اگر مأمور بخواهد بر خلاف قانون رفتار کند و تبعیض کند در این صورتی هم که پیش نهاد کرده اند بازمانی ندارد و میکند این نظریه را که آقا دارند اساساً خیلی صحیح است

ولی بنده در این جا دو چیز را تذکر میدهم

یکی اینکه در آخر ماده چهار اضافه کرده ایم در صدور اجازه نامه اگر ثابت شود مأموری بواسطه نظر خصوصی تبعیض نموده است بموجب مقررات نظامنامه تعقیب و مجازات می شود باز در يك ماده دیگر اضافه شده که نظامنامه را باید وزارت مالیه با مشارکت کمیسیون قوانین مالیه بنویسد و در آنجا آن وقت يك مجازات شدید تری از آنچه که در نظر آقا است برای تبعیض کننده همین خواهیم کرد و این مقصود آقا تأمین خواهد شد.

**رئیس** - رأی می گیریم ۰۰۰

**مصدق السلطنه** - بنده اصلاحی دارم بعد از گمه نزدیک ترین صندوق یا در يك صراف خانه معتبر باید اضافه شود.

**بعضی از نمایندگان** - بفرمائید دوباره قرائت شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم که در آخر ماده دوم اضافه شود هر گاه وزارت مالیه در صدور اجازه خودداری نمود تقاضا کنند می تواند از تاریخ تقدیم تقاضا سه روز درمزد کز و پنج روز در ولایات عایداتی که مطابق ماده سیم باید بدولت برسد در نزدیکترین صندوق مؤسسه انحصار محل خود باو بگذارد و آن وقت قند خودش را وارد و حمل و نقل و صادر نماید.

**رئیس** - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(جمعی از نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد.

**مصدق السلطنه** - عرضی دارم.

**رئیس** - بفرمائید.

**مصدق السلطنه** - این دفعه دوم است که این پیشنهاد شده.

**رئیس** - ماده را باید طوری بنویسید که بتوانیم رأی قطعی بگیریم.

**مصدق السلطنه** - این يك قسمت از ماده است بسیار خوب مینویسم.

**رئیس** - پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت می شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را در ماده دوم پیش نهاد می کنم چنانچه مأمورین جواز در اجازه تبعیض نمودند محکوم بانفصال ابدی و از يك ماه تا شش ماه حبس خواهند شد.

**آقا سید یعقوب** - اگر چه بنده می دانم که آقای مخبر جواب خواهند داد که این مسئله در نظامنامه قید خواهد شد ولی چون نظیر همین مسئله در قانون دخیانیت هم قید شده در این جا هم باید قید شود بنده اهمیت میدهم که مجازات مختلف قانون در قانون ذکر شود

بنده نمیخواهم بگویم که مأمورین مالیه بدند

ولی همان طوری که آقای مصدق السلطنه فرمودند اگر آنها در دادن جواز تبعیض قائل شدند آن وقت تکلیف مجازات آنها چیست؟

بنده عقیده دارم که مجازات او در قانون ذکر شود بهتر از این است که در نظامنامه قید شود.

از این جهت بنده پیش نهاد کردم که اگر مأموری تبعیض کرد و از مقررات قانون تخلف کرد آن مأمور محکوم بانفصال ابد و از یکماه تا شش ماه حبس خواهد بود در شور اول هم پیشنهاد کرده بودم.

**مخبر** - اولاً در باب مجازات شرحی در نظامنامه نوشته ایم تا باین وقتی که مجلس پیشنهاد آقای مصدق السلطنه رأی داده دیگر مقصود شما بعمل آمده است.

**آقا سید یعقوب** - بنده پیشنهاد را مسترد میدارم.

**رئیس** - (خطاب بمصدق السلطنه) ماده را بنویسید بدهید بیاورند تا رأی بگیریم پیشنهاد آقای طهرانی هم می ماند تا موقعی که رأی قطعی بگیریم چون راجع بتجزیه است ماده سوم قرائت می شود.

۳۸ - مؤسسه (انحصار دولتی قند و شکر و چای) در موقع فروش بر قیمت ورودیه هر يك من (۶۴۰) متقال قند و شکر و چای قندی دو قران و هریك من ۶۴۰ متقال چای شش قران اضافه خواهد نمود.

تبصره - مقصود از قیمت ورودیه جمع کل مخارج از قبیل قیمت خرید و مخارج حمل - حقوق گمرکی و غیره

است با استثنای مصارف اداری که در ماده ۱۱ ذکر شده.

**مخبر** - این مواد قندی تبدیل میشود به آنچه که از قند و شکر ساخته میشود.

**رئیس** - آقای حاج میرزا عبد الوهاب.

**حاج میرزا عبد الوهاب** - عرض بنده راجع به پیشنهاد آقای مصدق السلطنه بود.

**رئیس** - ماده سوم مطرح است.

آقای دامغانی.

(اجازه)

**دامغانی** - نتیجه تمام لایحه و مواد همین ماده است در اساس مسئله خیلی مذاکره شده و بدیهی است که ما خط آهن لازم داریم و بطور قطع باید با دنیا مربوط باشیم این محل گفتگو نیست و نیز بدیهی است که راه آهن مخارج لازم دارد تا بتدریج درست شود.

البته باید اول ترتیب عایدی درست شود تا بعد لایحه خط آهن بمجلس بیاید اما بنده چون اعتراض آقای ارباب کبخسرو را در موضوع پیشنهادی که کردند وارد می دانستم و در آن وقت جواب داده شده ماده سه این مسئله را پیش بینی کرده و در ماده نوشته مؤسسه انحصار قند و شکر و چای در موقع فروش بر قیمت ورودیه هریك من (۶۴۰) متقال قند و شکر و مواد قندی دو قران اینجا به اصلاح اثبات شیشی نفی ماعدا نمی کند یعنی مکلف نمی کند که بیشتر از دو قران باید بگیرند.

باین جهت بنده تصور می کنم رأی جلو گیری از اینکه بیشتر از دو قران گرفته بگیرند باین جهت بنده تصور میکنم برای جلو گیری از اینکه بیشتر از دو قران گرفته نشود يك لفظ فقط در این جا لازم است به این معنی که نوشته شود (۶۴۰) متقال قند و شکر و مواد قندی فقط دو قران و (۷۰) متقال چای فقط شش قران و بعداً لازم است عرض کنم که مراد لایحه و اوزان و مقادیر در کمیسیون تنظیم شده و در این صورت لفظ من باید اینجا برداشته شود و بلفظ سنک تبدیل شود والا همین یکی دوزخ لایحه من بوزار مجلس میگردد و اسباب زحمت خواهد شد.

چنانچه همین طور در قانون سجل احوال هم پیش آمده بود که در لایحه من بود يك ماده راجع بالقباق نوشته شده بود و بعد که القاب ملغی شد این ماده اسباب زحمت خواهد بود.

**مخبر** - راجع بقسمت اول مقصود همان بود که فرمودید و در ماده هم نوشته شده حالا اگر لفظ فقط را پیشنهاد بفرمائید قبول می کنم اما راجع بقسمت دوم اولاً آن قانون هنوز تمام نشده و اجری نشده است هر وقت تمام شد البته اجراء خواهد شد ما

که قبلاً نمی توانستیم متسک بشویم بيك قانون نیمه تمامی که شاید ممکن است از مجلس هم طرد دیگر بگذرد بملاوه آن وزن سنکی هم که فرمودید با اینکه در اینجا نوشته ایم يك جزئی تفاوتی هم دارد که اگر مراجعه بفرمائید معلوم می شود.

**رئیس** - آقای حائز یزاده (اجازه)

**حائز یزاده** - عرضی ندارم.

**رئیس** - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

**محمد ولی میرزا** - موافقم

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**رئیس** - پیشنهاد آقای زاهدی (باین مضمون خوانده شد)

اینجا بنده پیشنهاد میکنم که ماده سوم باین قسم تنظیم شود.

مؤسسه (انحصار دولتی قند و شکر چای) بر قیمت ورودیه هریك کیلو (هزار گرام) قند و شکر و هر چه از قند و شکر ساخته شده يك قران و هر کیلو چای سه قران اضافه خواهد نمود.

**رئیس** - آقای زاهدی (اجازه)

**زاهدی** - توضیح آقای مخبر را قانع کرد پیش نهاد را مسترد میدارم (پیشنهاد کتر آقایان بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۳ بترتیب ذیل نوشته شود.

ماده ۳ - مؤسسه انحصار دولتی قند و چای بر قیمت ورودیه هریك من (۶۴۰) متقال قند و شکر و مواد قندی دو قران و هر يك من چای ۶۴۰ قران بعنوان حقوق انحصاری محسوب واخذ خواهد نمود

تبصره مطابق پیشنهاد کمیسیون.

**رئیس** - آقای دکتر آقایان (اجازه)

**دکتر آقایان** - از اول این لایحه تا آخر ما همه مسبوق هستیم که قضیه تقریباً يك قضیه غیر انحصاری خواهد بود

ماده سه این لایحه مهمترین مواد است و حکایت از حق می کند که دولت باید بگیرد در اینجا نوشته شده مؤسسه انحصار دولتی قند و چای در موقع فروش بر قیمت ورودیه هریك من قند و شکر و مواد قندی دو قران و چای شش قران اضافه میکنند در صورتیکه اصلاً ممکن است دولت هیچ چیزی نفروشد و بدینگری اجازه دهد که اینکار را بکنند

بنابراین فقط در موقع فروش در این جا بیکلی زائد است مواضع يك مالیاتی می کنم و طوری باید نوشته شود که اهم از این که دولت خودش بفروشد یا اجازه دهد که دیگری بفروشد حق داشته باشد که این دو قران و شش قران را اضافه کند.

**مخبر** - آقا این جا اشتباه کرده اند این قانون انحصار دولتی قند و چای است که مامی نویسیم

پس وقتی که ما قانون انحصار قند و چای را مینویسیم باید تأسیس يك مؤسسه را هم پیش بینی کنیم در این صورت باید نوشته شود که در موقع فروش هریك یکمن قند و چای دو قران و شش قران اضافه خواهد شد و در تبصره هم تصریح کرده ایم که مقصود از قیمت چیست.

پس از آنکه قیمت اصلی کارخانه بامخارج گمرک و غیره معین شد آن وقت يك من دو قران بر قند و شش قران بر چای اضافه میکنند و بفروش میرسانند.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیریم

**رئیس** - رأی می گیریم به این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید.

(کسی قیام نکرد)

**رئیس** - قابل توجه نشد.

پیش نهاد آقای یاسانی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم باین نحو اصلاح شود.

(مؤسسه انحصار دولتی قند و چای) در موقع فروش بر قیمت ورودیه هر يك سنک قند و شکر و مواد قندی هفت صد و پنجاه دینار و هریك سنک چای دو قران اضافه خواهد بود)

**رئیس** - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - همان طور که آقایان در نظر دارند اجرای قانون تو حید اوزان و مقادیر چندان کار آسانی نیست و ابتداء اجرای آن باید از طرف دولت شروع شود و اولین وسیله اجرائش هم این است که ما این ماده را از حالا اصلاح کنیم به این ترتیب که وقتی که دولت میخواهد شروع به اخذ مالیات بکند مطابق وزنیکه در قانون اوزان مقادیر معین شده است باشد فرمودند آن لایحه تمام نشده است

در صورتیکه به عقیده بنده تمام شده است.

چون ما رأی داده ایم که هزار درم يك سنک باشد و تمام جزئیات آن جدول هم رأی داده شده

بنابراین آن لایحه در حکم تصویب شده است و آن قانون بیشتر از يك جلسه وقت لازم ندارد و پس از آنکه آن جلسه گذشت کار قانون تم شده است

و اگر بنا باشد به این ترتیبی که حالا نوشته شده است رفتار شود

آن وقت اسباب زد و خورد تجار خواهد شد.

از این جهت بنده عقیده دارم که از حالا خوب است

میزان را همان سنک قرار دهد در قیمت



چای تفاوتی نمی‌کند ولی در قیمت وقتند وقتی که سه سنک را حساب کنید از قرار هر سنکی پانزده شاهی یک جزئی تفاوت خواهد داشت و اشکالی ندارد

از این جهت بنده این طور پیش نهاد کردم.

وزیر فواید نامه با تصدیق باصل موضوع که آقای یاسانی فرمودند بنده تصور می‌کنم این پیش نهاد فعلاً موردی نداشته باشد. علتش هم معلوم است زیرا تغییر اوزان قدیمه که منحصر باین لایحه نیست بعلاوه نمی‌شود گفت آن قانون بتصویب مجلس رسیده است.

زیرا وقتی بتصویب مجلس می‌رسد کشور کلی آن تمام شده باشد آیامی شود تصور کرد که در موقع شورد در لایحه آن لایحه را مجلس رد شود؟

فرض محال که نیست بنابراین خوبست اساسی اوزان قدیمه را در لایحه قبول کنید و همین ترتیب فعلی تصویب نمایند پس از آنکه آن قانون جدید تصویب شود در تمام موارد آن اوزان قدیمه از بین رفت آن وقت قهراً این قانون هم تغییر می‌کند بنابراین دیگر محتاج نیست که ما از حالات تغییر بدیم بهترین است که ما هم را یک مرتبه بگذاریم برای پس از تصویب آن قانون بعلاوه نباید فراموش کرد که اجرای آن قانون سه سال وقت لازم دارد و اگر بنا باشد در این قانون مالین ترتیب رفتار دهیم اسباب زحمت خواهد شد پس بهتر این است که در این قانون هم همان اوزان سابق باشد.

رئیس - رأی می‌گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب می‌کنند قیام نمودند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای رضوی (باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم آنچه از قندو شکر ساخته می‌شود یک من دو تومان گرفته شود.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض می‌کنم چیزهایی که از قندو شکر ساخته می‌شود و از خارج می‌آورند بایک من دو قرانی که این جا نوشته شده جلو کبیری نمی‌شود و این باعث می‌شود که این چهار نفر قنادی هم که ما داریم از بیسن بروند.

این است که بنده عقیده دارم از چیزهایی که از خارج می‌آید از قبیل مریجات و شیرینی و غیره یک من دو تومان مالیات گرفته شود تا فردا عوض قند و شکر مریجات

ساخته و شیرینی ساخته به ایران نیاید.

رئیس - رأی می‌گیریم آقایانی که قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند (چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیش نهاد آقای دامغانی

بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده ۳ بعد از جمله مواد قندی کلمه فقط علاوه شود بعد از جمله ۶۴۰ مثقال جای هم علاوه شود لفظ فقط

مخبر - این را قبول کردم

رئیس - رأی می‌گیریم بماده سوم اسمعیل خان - بنده پیشنهاد دارم

رئیس - بنویسید بدهید بیایورند (نوشته ارسال نمودند)

رئیس - این پیشنهاد را خود آقای مخبر کردند که مواد قندی تبدیل شود به آنچه را که از قندو شکر ساخته می‌شود.

پیشنهاد آقای کازرونی (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم کلمه و غیره از تبصره حذف شود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - چون این کلمه (و غیره) ممکن است شامل چیزهای دیگری هم بشود و مقصود دولت هم این است که قیمت خرید و مخارج ورودیه منظور شده یا اضافه یک من دو قران و شش قران فروخته شود ولی کلمه و غیره ممکن است یک چیزهای دیگری را هم شامل شود.

از این جهت خوبست این کلمه را بردارند و اگر مخارج دیگری را در نظر دارند که آن مخارج غیر از مخارج گریه و حمل است خوبست این را ذکر کنند.

مخبر - بعضی مخارج هست که بنده در قانون پیش بینی کرد بنده هم نمی‌دانم از قبیل مخارج دلالی - کونی - گریه از کشتی و غیره

این مخارج را بنده که نمی‌دانم و گمان می‌کنم کسی هم مرتباً نداند از این جهت کلمه و غیره را در قانون ذکر کردیم

رئیس - رأی می‌گیریم آقایانی که پیشنهاد آقای کازرونی را تصویب می‌کنند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای شیروانی (ببابت ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را بعنوان تبصره دوم پیشنهاد می‌کنم: تبصره دوم - چای محصول ایران از تادیه این حق معاف خواهد بود.

شیروانی - چون چای معمول شده است که مخالفین و موافقین می‌خواهند هم دیگر را در قضایا بیاورند و بیک پیشنهاد خوبی هم شاید رأی ندهند

از آن طرف بنده هم مجبورم ادای وظیفه خود را بکنم از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم.

حالا آقایان می‌خواهند قبول کنند نمی‌خواهند نکنند

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای شیروانی را قبول می‌کنند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. آقای بیجانی پیشنهاد کرده‌اند تبصره بعد از ماده پاردم رأی گرفته شود باید تجزیه شود (خطاب به آقای بیجانی) - بفرمائید

آقای میرزا سید احمد بیجانی - چون در تبصره نوشته شده است بنیر از وجه مخارجی که در ماده پاردم تصریح شده است و ماده پاردم هنوز تصویب نشده است.

علاوه بر این یک چیزهایی در ماده پاردم پیش بینی شده است و احتمال می‌رود پیشنهادهای که در آن ماده شده قابل توجه شود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که خوبست این تبصره را بگذاریم برای بعد از تصویب ماده پاردم و الامتخالف خواهد داشت.

رئیس - مخالفتی ندارد چون ماده پاردم هر طور تصویب شود این ماده شامل آن خواهد بود

بیجانی - اینجا نوشته که در ماده (ذکر شده) مکرر ذکر می‌شود) مینویسند

رئیس - بلی ذکر می‌شود هم بشود عیبی ندارد. رأی می‌گیریم بماده سوم با اضافه دو فقط در سطر دوم قبل از دو قران و سطر سوم قبل از شش قران و تبدیل کلمه (شده) به (می‌شود) و همینطور تبدیل (مواد قندی) ببابت (آنچه که از قندو شکر ساخته می‌شود) آقایانی که ماده سوم را باین ترتیب تصویب می‌کنند قیام فرمایند

(اكثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم بیکمسیون تازه نیست

رئیس - مراجعه می‌اند برای روز دیگر

یک نفر از نمایندگان - این پیشنهاد تازه نیست

رئیس - مراجعه ببنظامنامه کردند معلوم شد نمی‌توان امروز در آن خصوص رأی گرفت

( ماده ۶۳ نظامنامه بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶۳ - اصلاحاتی که در ضمن شور ثانوی پیشنهاد می‌شود در صورتی که از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار آنرا توضیح و استدلال می‌کند و فقط اعضاء کمیسیون حق

حق جواب دارند پس از آن مجلس دربار قبول توجه یا عدم آن رأی می‌دهد در صورت قبول توجه آن اصلاح بکمیسیون فرستاده می‌شود در باره این قبیل اصلاحات نمیتوان همان روزی که پیش نهاد شده است رأی داد

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده تصور می‌کنم اینک نوشته شده در همان روز نمی‌شود رأی داد مقصود همان جلسه است و اگر مامور جلسه داشته باشیم

کدام می‌کنم مانعی نداشته باشد که رأی بدهیم

رئیس - گمان می‌کنم عبارت روز مطرح است آقای میرزائی (اجازه)

میرزائی - بنده می‌خواهم عرض کنم که ماده نمودوشتم می‌گوید اصلاحاتی که در باره مطلبی پیشنهاد می‌شود قبل از خود مطلب در باره آن اصلاح رأی گرفته می‌شود

این هم مطلب است و بعقیده بنده این جا هم اصلاح مواد است نخود مواد آقای مصدق السلطنه هم اصلاحی پیشنهاد کرده‌اند اول باید باصلاح رأی بگیریم بعد بخود ماده

رئیس - ما هم همیشه همین کار را می‌کردیم اول باصلاح رأی می‌گرفته‌ایم بعد ماده حالا همین کار را کردیم. ماده چهارم قرائت می‌شود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - هر مقدار قندو چای که برخلاف مقررات ماده دوازده خریداری نگاهداری - انبار - یا صادر کرد از طرف دولت ضبط خواهد شد.

بعلاوه از مرتکب و کسانی که با او شرکت در نقض قانون نمایند

مبلغی که مساوی با قیمت جنس قاچاق شده باشد گرفته خواهد شد.

هر گاه قیمت جنس قاچاق شده را نشود معین نمود جزای نقدی کمتر از پانصد تومان نخواهد بود.

اگر مرتکب یکی از مستخدمین دولتی باشد علاوه بر مجازاتهای فوق مادام العمر از خدمت دولت اخراج شده و هیچ حقی نسبت بحقوق انتظار خدمت و یا حقوق تقاعد نخواهد شد و هر گاه ثابت شود مأموری بواسطه نظر خصوصی تبعیضی در صدور اجازه نامه مجازات می‌رسد.

رئیس - آقای حاج حسن آقا (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - بنده سابقاً در ماده چهارم یک پیشنهادی که ظرف توجه کمیسیون واقع نشد و قبل از دستور هم اجازه

خواسته بودم تا مذاکراتی عرض کنم موقت نشدم فلذا در هر دو موضوع می‌خواهم عریضی عرض کنم

اولاً بنده که باین ماده مخالف بودم از این نقطه نظر بود که چون اساساً دزدی در تمام عالم زشت و قبیح است و برای هر دزدی هم یک مجازاتی شده در مذهب اسلام هم نوشته شده و السارق و السارقه فاعطوا بئذیها

چهارم از نمایندگان - السارق حاج حسن آقا - خیر - والسارق - بقرآن رجوع کنید ببینید . . . (خنده نمایندگان)

حاج حسن آقا - بهر حال دزدی هم مراتبی دارد.

یک وقتی دزد مجارب است یا قطاع الطريق است و بنده تصور می‌کنم علت اینکه قاچاقچی را نتوانسته اند دزد بگویند و باو مطلب در باره آن اصلاح رأی گرفته می‌شود فقط قاچاقچی گفته اند فلسفه دارد. تصور نشود که بنده می‌خواهم از قاچاقچی حمایت کنم نه.

می‌خواهم توضیح عرض کنم. دزدی است که باید بیت المال مسلمین برسد و آنجا برداشته شود و خرج مسلمین بشود بنا بر این در همه جا مجازاتهای شدید برای قاچاقچی معین کرده اند و اگر غیر از این بشود سخته باجاری قانون وارد می‌کند و بنده تصور می‌کنم این ایراد آقا وارد نباشد و این ماده بهمین ترتیب لازم است باشد.

(جمعی گفتند: مذاکرات کافیت)

کازرونی - کافیت نیست.

رئیس - رأی می‌گیریم آقایانی که مذاکرات را کافیت میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. پیش نهادها قرائت می‌شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد آقای ارباب کیخسرو - بنده پیش نهاد می‌کنم از ماده ۴ این قسمت حذف شود:

هر گاه قیمت جنس قاچاق شده را نشود معین نمود جزای نقدی کمتر از پانصد تومان نخواهد بود.

ارباب کیخسرو - همین قسمی که در نظر گرفته شده البته کسی که تقصیر کند باید مجازات شود

ولی اینجا یک مشکلی از دو طرف هست یک حرف ممکن است تصور بشود که یک کسی یک مختصری قاچاق کرده یک چارک یا نیم من و نتوانند آنرا تشخیص بدهند

آنوقت چون نمی‌توانند تشخیص بدهند پانصد تومان جریمه می‌گیرند و بالعکس یک تاجری آمد و بقدر هزار تومان قاچاق کرد آن هم باید پانصد تومان بدهد. بنظر بنده این مطابق انصاف نیست اگر

اینجا شرح بدهم.

اولاً راه آهن باندازه مهم و مستحسن است و اهمیت راه آهن بدرجه ایست که بین خالق و مخلوق قائل شده اند چنانچه میفرمایند - الطرق الی الله بعدد انفس الخلائق.

چنانچه می‌فرمایند فلان آدم یک کره راهی با خدا دارد و چون اصولاً این وجوه اختصاص داده شده است برای آقایان تجار و مری با کمال رغبت و میل حاضر شده اند و عرض می‌کنم عرض کرده‌اند که ما این قانون را استعجاب می‌کنیم و در اطراف توضیح می‌دهم اگر راجع بانحصار صحبت هائی شده است و از مقامات عالیه تحقیق شد معلوم شد که این خسارت متوجه تجار هست یا نه و بعقیده بنده در آیه این نگارانی متوجه خواهد شد.

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - اینکه گفته شد از قاچاقچی عین جنس گرفته شود این تنها کافی نیست زیرا قاچاق کردن تخلف از قانونست و این تخلف از قانون تخلف از ادای وجوهی است که باید بیت المال مسلمین برسد و آنجا برداشته شود و خرج مسلمین بشود بنا بر این در همه جا مجازاتهای شدید برای قاچاقچی معین کرده اند و اگر غیر از این بشود سخته باجاری قانون وارد می‌کند و بنده تصور می‌کنم این ایراد آقا وارد نباشد و این ماده بهمین ترتیب لازم است باشد.

(جمعی گفتند: مذاکرات کافیت)

کازرونی - کافیت نیست.

رئیس - رأی می‌گیریم آقایانی که مذاکرات را کافیت میدانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. پیش نهادها قرائت می‌شود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد آقای ارباب کیخسرو - بنده پیش نهاد می‌کنم از ماده ۴ این قسمت حذف شود:

هر گاه قیمت جنس قاچاق شده را نشود معین نمود جزای نقدی کمتر از پانصد تومان نخواهد بود.

ارباب کیخسرو - همین قسمی که در نظر گرفته شده البته کسی که تقصیر کند باید مجازات شود

ولی اینجا یک مشکلی از دو طرف هست یک حرف ممکن است تصور بشود که یک کسی یک مختصری قاچاق کرده یک چارک یا نیم من و نتوانند آنرا تشخیص بدهند

آنوقت چون نمی‌توانند تشخیص بدهند پانصد تومان جریمه می‌گیرند و بالعکس یک تاجری آمد و بقدر هزار تومان قاچاق کرد آن هم باید پانصد تومان بدهد. بنظر بنده این مطابق انصاف نیست اگر

یک راهی داشته باشد که بتوانیم از روی تخمین معین کنیم که آن قاچاق در چه حدود باشد از روی آن حدود در مقابل با سه مقابل جرم معین شود بنده موافقم ولی بطوری که نوشته شده اگر نتوانند تشخیص بدهند پانصد تومان جریمه بدهد برای هر دو طرف دروزانصاف است بنا بر این خوبست این اشکال را ملاحظه بفرمائید و هر طوری که صلاح می‌دانند این را اصلاح کنند و الا با این ترتیب که نوشته شده موجب اشکال می‌شود.

رئیس - کمیسیون اظهار عقیده می‌کند؟

مخبر - برای مجلس واگذار می‌کنم

رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد.

(ایضا پیش نهاد دیگری از طرف آقای ارباب کیخسرو قرائت شد بمضمون ذیل)

بنده پیش نهاد می‌کنم در ماده ۴ بعد از کلمات خریداری - نگاهداشتن و انبار و صدور مزبند شود:

(باستناد در مورد چای مزروعه در داخله مملکت)

ارباب کیخسرو - با توضیحی که در مقدمه پیش نهاد دولت داده شده است و با توضیحی که آقای وزیر مالیه اینجا دادند اینطور استنباط شد که اگر قند و جای در داخله مملکت بعمل بیاید از این تعجیلات معاف خواهد بود

ولی مخصوصاً با آن پیشنهادی که آقای شیروانی کردند و قابل توجه نشد در آیه اسباب زحمت خواهد شد و بنده نمی‌دانم علت اینکه قابل توجه نشد چه بود قابل توجه نشدن پیش نهاد ایشان اینطور می‌فهماند که اگر چای در داخله بعمل آید باید از آنهم همین عوارض را گرفت در صورتیکه منظور دولت چای داخله نبوده بعلاوه چائی که در داخله این مملکت بعمل می‌آید اگر حق نگاهداشتن نداشته باشند پس زارع چه باید بکنند؟ البته باید آنرا در یک چائی نگاه بدارد از این جهت بنده پیش نهاد کردم آن چائی که در داخله مملکت زراعت می‌شود برای نگاهداری و انبار کردن و غیر اینها آزاد باشد.

مخبر - این ایراد آقای ارباب وارد است کمیسیون قبول می‌کند.

رئیس - پیش نهاد آقای حاج حسن آقا. (بشرح ذیل خوانده شد)

در ماده ۴ - بنده پیش نهاد می‌کنم که در مجازات بهمان مقدار جنس قاچاق شده قناعت شود.

رئیس - (خطاب به آقای حاج آقا) راجع به پیش نهاد خودتان توضیحی

دارد؟

حاج حسن آقا - خیر توضیح همان بود که عرض کردم.

رئیس - رأی می‌گیریم پیش نهاد آقای حاج حسن آقا.

آقایانی که پیش نهاد ایشان را قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیش نهاد آقای حائری زاده.

(بشرح آتی قرائت گردید)

بنده پیش نهاد می‌کنم از اول جمله (بعلاوه از مرتکب الی) پانصد تومان بود نخواهد بود حذف شود.

حائری زاده - آقای ملک التجار توضیحی در خود ماده دادند دیگر محتاج نیست که بنده تکرار کنم.

در مملکت ما یعنی در تمام بنا حکومت با اکثریت است اکثریت وقتی نظری را گرفت اگر اقلیت خواسته باشد نظر خودش را تبدیل بر اکثریت کند تولید هر چه می‌کنند.

اکثر برضا و رغبت اطاعت می‌کند قوانینی را که تصویب کرده و اقلیت بگراحت قبول می‌کند.

پس کسیکه از این قانون رضای نیست اگر مال خودش را شکلی عبور داد که این قانون شامل حال او نشود و گمراهِ راهداری را نداد نمی‌شود اسمش را دزد گذاشت در مجلس هم این اصل در مالیات دخانیات قبول شد.

یعنی دولت یک مجازاتی را علاوه بر ضبط جنس قاچاق پیشنهاد کرده بود و مجلس را رد کرد و رأی داد باینکه راجع بقاچاق تنها کور و توتون عین جنس قاچاق ضبط شود و جریمه دیگری ندارد باین معنی کافیتی که خواسته اطاعت کنند اما اکثریت را این مال را از اش می‌گیرند دیگر نباید توی سرش هم بزنند خصوص با وضع فعلی که باید راه سهلتش را در نظر گرفت و در قانون نباید اینقدر فشار آورد بالاخره بنده معتقدم که این عجله باید حذف شود.

بلی اگر مستخدمین دولتی شرکت کردند آن قسم مجازاتها برقرار باشد ولی تاجری که جنسش را بخواهد عبور دهد چنانچه قاچاق کرد باید بضیبت آن جنس دولت کفایت کند و چنانچه در شور او هم گفته شد ممکن است در یک کشتی ۲ من قند انفر داشته باشد.

مأمور مالیه می‌رود آنجا برای تقشش آن وقت این شخص ۲ من قند یا شکرش را می‌اندازد توی دریا.

این معنی است که هزار من نبوده و با دست خودش کمیسه را می‌اندازد توی دریا مطابق این قانون باید پانصد تومان جریمه بدهد و در آن قسمتی که آقای



ارباب کیخسرو پیشنهاد کردند قابل توجه شد.  
بنده مدارا کرده نمی کنم ولی معتقدم که آن قسمت را باید حذف کرد.  
مخبر- آقا مثلتهائی می زند که گمان نمیکنم هیچ وقت این مثل ها اتفاق بیفتد.  
مثلاً می فرمایند ممکن است مفتش برود توی کشتی که ۲ من قند را نفیض کند.  
این مسئله هیچ وقت اتفاق نمی افتد که مفتش برای ۲ من قند برود توی کشتی.  
بعلاوه این پیشنهاد آقای حائری زاده هم رد شده زیرا آقای ملک التجار هم این پیشنهاد ایشان بایشهاد آقای ملک التجار یکی بود و آن قسمت آخرش را هم که آقای ارباب پیشنهاد کردند و قبول شد.  
اگر چنانچه بخواهیم این اندازه مجازات را هم برای اشخاص متخلف از قانون و قاچاقچی معین نکنیم گمان میکنم قاچاق هم یکی از چیزهای مشروع خواهد شد که فوق العاده در این مملکت رایج میشود.  
حائری زاده- رأی بگیریم.  
رئیس- رد شده است چرا رأی بگیریم؟  
حائری زاده- پیشنهاد آقای حاج ملک التجار بایشهاد بنده دوتا است و تفاوت دارد.  
رئیس- تفاوتش را بفرمائید چیست حائری زاده- پیشنهاد آقای حاج ملک این بود که منحصراً ب ضبط مال قناعت شود.  
یک قسمت از مجازات مجازات نقدی است و یک قسمت دیگر هم راجع باین است که مأمورین دولت که در این قضایا شرکت کرده اند مجازات شوند.  
بنده این قسمت آخر را معتقدم که باشد که اگر مأمورین دولتی تخلف در ولی معتقدم که تاجر را پیش از ضبط مال قاچاق نباید مجازات دیگری برایش قائل شد این تفاوتی است که پیشنهاد بنده بایشهاد آقای حاج ملک دارد این است که استدعا میکنم رأی گرفته شود.  
رئیس- رأی می گیریم آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.  
(عده کمی برخاستند)  
رئیس- قابل توجه نشد (پیشنهاد آقای بهبهانی بشرح ذیل قرائت شد)  
در ماده چهارم بنده پیشنهاد میکنم از لفظ (بعلاوه) تا (کمتر از) باند تومانی نخواهد

که مثلاً صد هزار تومان قاچاق کرده درست در نمی آید و برای اینکار هم بنظر بنده باید در نظامنامه که نوشته شود یک ترتیبی معین نمود.  
زیرا در آن نظامنامه باید درجات این شرکت نوشته شود برای هر درجه یک مجازاتی قائل شوند. غیر از مستخدمین دولتی که بعد ذکر شده که اگر مرتکب یکی از مستخدمین دولتی باشد علاوه یک مجازات دیگری هم دارد بالاخره بنده عقیده ام این است که این قسمت بکلی از ماده حذف شود و بجای آن نوشته شود کسانی که با او شرکت در نقض قانون نمایند بوجب نظامنامه که تدوین خواهد شد مجازات بشوند.  
مخبر- اینجا سوء تفاهمی برای آقا شده. در مسئله شرکت نه مقصود شرکت در مال التجاره است یعنی یک تاجری فرضاً صد خروار قند خریده فردا اگر من یک منش را خریدم شریک او هستم که فردا اگر یک تحمیلی باشد و نصفش را بناید از او بگیرند و نصفش را از من بگیرند.  
خیر مقصود اشخاصی است که شریک در نقض قانون می شوند یا شریک در قاچاقچی گری می شوند و البته تصدیق می فرمائید کسیکه شریک در قاچاقچی گری شد باید سهیم در جریمه شود و البته یک تاجری که صد خروار و جنس که خریده و فروش و حمل و نقل آن متعلق بدولت است و بیک اجازه نامه هم می توانند از تمام اینها استفاده کند آن وقت قاچاق زارد کنیده البته باسد علاوه بر ضبط عین جنس یک چیزی از او گرفت برای اینکه ممکن است عوض اینکار برود در وزارت فوائد عامه و یک اجازه نامه بگیرد و جنسش را وارد کند و اگر اینطور کرد و اجازه گرفت بنده بجناب عالی قول می دهم که هیچ وقت نه یک برابر و نه دو برابر از او نخواهند گرفت.  
رئیس- آقایانی که اصلاح آقای بهبهانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.  
(عده قیام نمودند)  
رئیس- قابل توجه نشد (پیشنهاد آقای کلارونی بشرح ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد میکنم که ماده چهار اینطور اصلاح شود  
ماده ۴- هر مقدار قند و چای که بر خلاف مقررات این قانون وارد شود از طرف دولت ضبط خواهد شد و اگر مأمورین دولت در این خلاف قانون شرکت کنند در مجازات نیز شریک بوده بعلاوه از خدمت برای همیشه منفسل خواهند بود.  
کاررونی- متأسفانه مذاکرات کافی شد و بنده ناچار هستم نظریات خود

را باین وسیله عرض کنم اینجا می گوید: هر مقدار قند و چای و شکری که بر خلاف مقررات ماده دو وارد شده در صورتیکه در ماده پنج از جمله چیز هائی که استثناء و مجاز کرده است ترازیب است آنجا میگوید ترازیب آزاد است حق تعرض نیست.  
اما اینجا می گوید منحصراً بر طبق مقررات ماده دو اگر نشد چنین و چنان می شود خواهند فرمود که در آنجا منحصراً ذکر کرده اند.  
بلی صحیح است ولی بنده عرض میکنم بین این دو ماده تعارض پیدا می شود و هیچ ربطش بهم ندادند و از ماده پنج هم که که قصد ترازیب است در اینجا منحصراً نبرده است بعلاوه مینویسد:  
اگر خرید و فروش بر خلاف مقررات ماده دو بشود مستلزم این مجازات است ممکن است قند یا شکری بعنوان ترازیب وارد گمرک بشود و بعد یک کس دیگری بیاورد و از آن صاحب قند آن قند و شکری ببرد آیا این تاجر مجاز است یا مجاز نیست؟ سؤال میکنم.  
ترازیب را که خودتان تجویز کرده اید بعد این جا آمده اید و خرید و فروش را ممنوع کرده اید این است که عرض میکنم تعارض پیدا می شود زیرا خرید و فروش را که در این جا ممنوع کرده اید بالتبع ترازیب هم ممنوع می شود بنابراین خوب است  
رئیس- توضیح باید مختصر باشد کاررونی- قبول میکنم ولی بشرط اینکه در مورد همه اینطور باشد در مورد شخصی بنده تنها  
رئیس- اگر کسی تخلف کرد خودتان هم ممکن است اخطار فرمائید  
قلمین- بنده پیش نهاد نفس میکنم.  
رئیس- میخواهد تنفس بشود  
جمعی از نمایندگان- صبح است.  
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یک ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)  
رئیس- پیشنهاد آقای کلارونی بشرح ذیل قرائت میشود  
(بعضی ذیل خوانده شد)  
بنده قسمت اخیر ماده ۴ را بترتیب ذیل اصلاح میکنم  
در صورتیکه مأمورین مسؤل در دادن اجازه تبعیض کرده و رعایت تقدم تاریخ را در تقاضای اشخاص ننمایند بانفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد  
رئیس- بفرمائید  
شریعت زاده- چون بنده میدانم که نمایندگان محترم بدلتانی علاقه مند بر سر ت جریان این لایحه هستند

اینست که مفصلاً توضیح نمی دهم همین قدر خاطرشان را متذکر می کنم که اساس این لایحه در مورد مجازات نیست به اشخاص بابتی طوری باشد که مأمورین این اصل را در نظر داشته باشند که رعایت اصول عدالت را نسبت با اشخاص بکنند و در اجازه تبعیض نکنند  
از این نقطه نظر برای مأمورینی که در دادن اجازه تبعیض میکنند رعایت تقدم و تأخر را در دادن اجازه ها نمی کنند بنده این قسمت را اینطور اصلاح کردم که اگر تخلف نمودند مجازات برسد و البته با این پیش نهاد جلوگیری از تبعیض خواهد شد.  
مخبر- این پیش نهادی را که آقا کردند نظر کمیسیون هم همین بود منتهی ما میخواهیم در نظامنامه اینها را بنویسیم و حالا باین پیش نهادی که کرده اند کمیسیون هم مخالفتی ندارد.  
رئیس- پس قبول میکنید؟  
مخبر- بلی  
(پیش نهاد دیگر آقای شریعت زاده بشرح آتی قرائت شد)  
بنده پیش نهاد می کنم بجای جمله نقض قانون (در ماده چهار جمله (تخلف از قانون) نوشته شود.  
شریعت زاده در این جا باید رعایت اصطلاح بشود در موردی که اشخاص بر خلاف قانون رفتار می کنند باید گفته شود تخلف از قانون نه نقض قانون و این هم یک مطلب واضحی است که گمان می کنم باید نوشته شود  
مخبر- این را هم کمیسیون قبول میکنند (پیش نهاد آقای طهرانی بشرح ذیل قرائت شد)  
این بنده پیش نهاد می نمایم که بعد از (مسواوی بان) لفظ (نصف) اضافه شود.  
آقا شایخ محمد علی طهرانی- این جا یک من قند یک تومان قیمتش است دو قران حق ورودی دارد یعنی حق اجازه ورودی دارد اگر عین جنس را بگردانند تقریباً پنج مقابل اندازه که باید بدهد داد نصف قیمت آنهم پنج هزار اضافه شود از برای اینکه یک چیزی را که قانون معین کرده نخواسته است بدهد پیش نهادیکه از طرف کمیسیون بنده با بترتیب پیشنهاد کردم که نوشته شود مبلغی که مساوی با نصف قیمت قاچاق باشد و این چندان ضروری وارد نمی آورد و جلو گیری از قاچاق هم خواهد کرد.  
رئیس- رأی می گیریم پیش نهاد آقای طهرانی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.  
(معهودی قیام نمودند)  
رئیس- قابل توجه نشد (پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح

عوارضی گرفته می شود برای این است که جلو گیری از مصرف شدن آن داخله بشود  
پس اگر در داخله مصرف نمیشود بجای دیگر مرود بر ما نیست که ملاحظه این را بکنیم که جای دیگر مصرف نشود و جلو گیری بکنیم  
بعلاوه رعایت کردن ترازیب یک صرفه ای هم بحال مملکت دارد  
مثلاً اگر یک مقدار جنس از خاک ایران عبور می کند و بخاک دیگر می رود درحقیقی که از خاک ما عبور می کند و به خاک دیگر می رود به مکاری های ما و اگر راه آهن باشد برای آن ما کرایه می دهم و کسانی که جنس را عبور میدهند در اینجا مخارجی میکنند زندگانی میکنند معاش می کنند  
اینها یک فوایدی است که بمملکت ما فائده میرساند و ضرری هم به مملکت نمیرساند  
پس اساس ترازیب را که ما قبول کردیم در این مورد قند و چای هم همینطور است و اگر بخواهیم بیاییم ما قند و چای را مشمول این مقررات قرار بدهیم و یک حقی در موقع عبور قند و چای که از مملکت ما بجای دیگر می رود بگذریم آن صرفه هم حاصل نمیشود چرا؟  
بجهد اینکه فقط اسباب این خواهد شد که مثلاً کسانی که از بین الظرین می- خواهند با افغانستان قند و چای ببرند آنها خاک ایران را رها کرده و از خاک دیگر عبور می دهند و آن منافعی که از عبور ترازیب برای ما حاصل می شود آن منافع از مملکت ما می رود حالا چه ترتیبی مسئله ترازیب موافق یک نظامنامه - هائی است و ترازیب منحصر بقند و چای نیست  
تمام اجناس ممکن است بطور ترازیب عبور کند و اداره گمرک هم نظام نامه و مقرراتی دارد که در موقع معامله یا مال- التجارهای که بطور ترازیب عبور میکنند بر طبق آن مقررات رفتار می شود  
مثلاً یک جنسی که وارد مملکت ما می شود ما باید تشخیص بدهیم که آیا این شخص را می گوید و می خواهد از مملکت ما عبور بدهد یا در داخله مملکت ما مصرف می شود  
اداره گمرک برای تشخیص این مسئله ترتیباتی دارد  
یکی از وسائلش این است که آن جنسی که وارد در سرحد می شود رعایت نمی کنند که ترازیب می شود و حقوقی که باید گرفت از او می گیرند ولی یک سندی باو می دهند و تعهد می کنند که اگر این جنس را خارج کردی حقوقی را که داده ای پس میدهم  
باین نظر اداره گمرک اطمینان حاصل می کند و هر اقدامی که برای سایر اجناس ترازیب می کند دولت باید بکنند در این مورد هم خواهد کرد  
حالا اگر مقصود آقای ارباب همین بود که بنده این توضیحات را دادم و اگر مقصود دیگری دارند بفرمایند تا توضیح بدهم  
جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است  
رئیس- پیش نهاد ها قرائت می- شود  
(پیشنهاد آقای دکتر آقا یان بشرح ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ۵ اضافه شود: ولی حق انحصاری در موقع ورود جنس بایران در صورتیکه دولتی امانت سپرده می شود و بعد از اراء جواز صدور گمرک مسترد خواهد شد.  
دکتر آقا یان- آقای وزیر مالیه یک توضیحاتی نسبت بترانزیت دادند.  
در سایر ممالک عمل محردنش آسان است.  
چرا؟  
برای اینکه هزار خروار آورده هزار خروار بازار آنها میگذازند توی واگنها و آنها را بایک مهر سرپی اداره گمرک مهر میکنند و از آن نقطه که خارج می شود رسیدگی میکنند.  
ولی از آنجائیکه در مملکت ما وسایل حمل و نقل یک طور است که هیچ وقت نمی شود صد یا هزار خروار جنس را مهر کرد اینست که ترازیب تولید اشکال میکند مخصوصاً قند و چای و شکر.  
بنابراین اینطور ما نمی توانیم موفق بشویم مخصوصاً یک جنسی مثل قند و شکر که ریخت و پاشش زیاد است یعنی آورنده این جنس که بعنوان ترازیب وارد کرده است وقتی خارج میکنند هر یک خروار یک من کسر آورده.  
می گوید این ریخته است یا شیده است و قبول نمیکند و از طرف دیگر نظر باینکه ممکن است فروشندگان قند به مملکت ما یا آن مؤسساتی که بما قند و شکر می فروشند هیچ وقت تولید هیچگونه مشاخره شود و از طرف دیگر هم در خود قانون ذکر شده باشد که ترازیب نسبت بقند چگونه باید باشد و مخصوصاً نظر باینکه مایک قانون ترازیب می که از مجلس گذشته باشند داریم و یک نظامنامه در گمرکات وجود دارد که طرف ممکنست زیر بار آن نرود.  
بنده اینطور پیشنهاد کردم و عقیده ام اینست که هر مقدار قند و شکری که بعنوان ترازیب وارد این مملکت می شود مطابق این قانون حق انحصار را آنجا بگذارند وقتی که خارج شد آن سندی را که ابتدا



گرفته آرائه می دهد و پولش را بس میگیرد.

**وزیر فواید عامه** - بنده تصور نمی کنم بانبول اصل مطلب یعنی قبول اساس شرایط ترانزیت جای این پیشنهاد در این قانون باشد فقط مسئله معافیت اساس مطلب است یعنی اجناسی که از طرف ایران حمل می شود معافیتش را بیش بینی کرده است.

ولی وسائل این مطلب مربوط بنظام نامه ها و موکول با اجرای نظامنامه های گمرکی است در بعضی موارد ممکنست مثل فرانسه بلیب کنند.

یعنی هر سربلی کنند که در موقع خروج با همان مهر دست نخورده باید تعویب بدهد یا ممکنست پول ورودی را بدهد و بعد پس بگیرد و در هر حال مورد پیشنهاد در این جانبست.

**رئیس** - رأی می گیریم پیشنهاد آقای دکتر آقابان.

آقابانی که قابل توجهی دانند قیام فرمایند.

(ممدودی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد (پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵ عبارت قند و شکر و چای نوشته شود: «بارعایت مقررات ثابت بدون تبعیض اجازه میور»

**ارباب کیخسرو** - اینجانب نظر باینکه موضوع ترانزیت یا اجازه اوجیزی است که هنوز ماکابلا مستحضر نیستیم و البته به نظامات اداره گمرک هم مطمئن هستیم که بک ترتیبی خواهند داد که موجب اشکال نشود.

ولی از یک چیز بنده بیگندری نگرانی دارم که مبدا مواقعی بشود که ممکن باشد نسبت بآن مقررات بشود تبعیض کرد ازین جهت پیشنهاد کردم که مطابق همان مقرراتیکه هست بدون تبعیض و باین مقررات ثابت یعنی آنچه مقررات تغییر یابد بر نیاشد و اگر چنانچه این قسمت مزید بشود بیشتر موجب اطمنانست.

**مخبر** - بموجب یک نظامنامه که هست بین تمام دول و گمرک هم از روی آن عمل میکنند دیگر گمان نمیکنم با بودن آن نظام نامه معتناج باین قبیل توضیحات باشیم.

**رئیس** - رأی گرفته می شود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو.

آقابان موافقت قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. رأی گرفته می شود بماده ۵.

آقابانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده شش (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - دولت مجاز است که قند و شکر و چای را که بیش از احتیاجات مملکتی برای ورود بایران حمل می شود خریداری شود و اجازه ورود ندهد.

**رئیس** - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا بجب دولت آبادی - بنده با این ماده مخالفم بواسطه اینکه اولاً هر کس این ماده را ملاحظه کند به خاطرش میرسد که دولت می خواهد از این عایدات صندوق راه آهن را غنی تر بسازد.

درین صورت چرا جلوگیری ازین کار می کند و می گوید اگر قند و شکر زیادتیر از احتیاجات مملکت بخواهند وارد کنند دولت مجاز است که جواز ندهد و نغرد.

چرا؟ برای چه؟ خوب، هر چه بیشتر وارد کنند که برای دولت بهتر است. پس چرا جلوگیری میکنند ازین کار؟ این مطلب در بنیادی نظر به خاطر هر کس اینطور میرسد.

چنانچه آقابان در شور اول مکرر این مطلب را اظهار فرمودند و آقای وزیر فواید عامه جوابی که به آقابان دادند در واقع همه را بک مطلب فرمودند و آن این بود که فرمودند ممکنست بخواهند یک قند و شکر زیادی که بیشتر از احتیاجات مملکت باشد وارد کنند و دولت نتواند خریداری نماید به این واسطه می خواهیم محدود کنیم که اگر همچو صورتی پیدا شد که خواستند قند و شکر بیش از احتیاجات مملکت وارد کنند دولت مجبور نباشد بخرد و در مضیقه نیفتد.

بنده این جواب را کافی نمی دانم در مقابل معظوراتی که در این ماده هست اگر منظور دولت اینست انرا می تواند بطریق دیگری تأمین نماید یعنی بگوئیم مؤسسه انحصاری مجبور نیست که بیش از آن قدری که قند لازم دارد حکماً خریداری کند...

(همه هم بین نمایندگان)

**وزیر فواید عامه** - مقصود هم همین است.

دولت آبادی - توجه کنید بعرض من: امام غمخوراتی که برین ماده میباشد بنده از آن نقطه نظر مخالفم اینست که ممکنست این ماده سلب بشود که اشخاص متنفذ اشخاص متمول و اشخاصی که می توانند برون یک ذمه یک مبلغ زیادی بدولت بدهند برون یک جواز فوق العاده بگیرند و آن وقت فردا یک بیچاره که می رود جواز بگیرد با جواب می دهند که مطابق این دفتر و نمره فلان اندازه به فلاک کس جواز داده ام و دیگر احتیاج نداریم شما بروید از آجای فلان اجازه

**رئیس** - تصویب شد. ماده شش (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - دولت مجاز است که قند و شکر و چای را که بیش از احتیاجات مملکتی برای ورود بایران حمل می شود خریداری شود و اجازه ورود ندهد.

**رئیس** - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا بجب دولت آبادی - بنده با این ماده مخالفم بواسطه اینکه اولاً هر کس این ماده را ملاحظه کند به خاطرش میرسد که دولت می خواهد از این عایدات صندوق راه آهن را غنی تر بسازد.

درین صورت چرا جلوگیری ازین کار می کند و می گوید اگر قند و شکر زیادتیر از احتیاجات مملکت بخواهند وارد کنند دولت مجاز است که جواز ندهد و نغرد.

چرا؟ برای چه؟ خوب، هر چه بیشتر وارد کنند که برای دولت بهتر است. پس چرا جلوگیری میکنند ازین کار؟ این مطلب در بنیادی نظر به خاطر هر کس اینطور میرسد.

چنانچه آقابان در شور اول مکرر این مطلب را اظهار فرمودند و آقای وزیر فواید عامه جوابی که به آقابان دادند در واقع همه را بک مطلب فرمودند و آن این بود که فرمودند ممکنست بخواهند یک قند و شکر زیادی که بیشتر از احتیاجات مملکت باشد وارد کنند و دولت نتواند خریداری نماید به این واسطه می خواهیم محدود کنیم که اگر همچو صورتی پیدا شد که خواستند قند و شکر بیش از احتیاجات مملکت وارد کنند دولت مجبور نباشد بخرد و در مضیقه نیفتد.

بنده این جواب را کافی نمی دانم در مقابل معظوراتی که در این ماده هست اگر منظور دولت اینست انرا می تواند بطریق دیگری تأمین نماید یعنی بگوئیم مؤسسه انحصاری مجبور نیست که بیش از آن قدری که قند لازم دارد حکماً خریداری کند...

(همه هم بین نمایندگان)

**وزیر فواید عامه** - مقصود هم همین است.

دولت آبادی - توجه کنید بعرض من: امام غمخوراتی که برین ماده میباشد بنده از آن نقطه نظر مخالفم اینست که ممکنست این ماده سلب بشود که اشخاص متنفذ اشخاص متمول و اشخاصی که می توانند برون یک ذمه یک مبلغ زیادی بدولت بدهند برون یک جواز فوق العاده بگیرند و آن وقت فردا یک بیچاره که می رود جواز بگیرد با جواب می دهند که مطابق این دفتر و نمره فلان اندازه به فلاک کس جواز داده ام و دیگر احتیاج نداریم شما بروید از آجای فلان اجازه

**رئیس** - تصویب شد. ماده شش (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - دولت مجاز است که قند و شکر و چای را که بیش از احتیاجات مملکتی برای ورود بایران حمل می شود خریداری شود و اجازه ورود ندهد.

**رئیس** - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا بجب دولت آبادی - بنده با این ماده مخالفم بواسطه اینکه اولاً هر کس این ماده را ملاحظه کند به خاطرش میرسد که دولت می خواهد از این عایدات صندوق راه آهن را غنی تر بسازد.

درین صورت چرا جلوگیری ازین کار می کند و می گوید اگر قند و شکر زیادتیر از احتیاجات مملکت بخواهند وارد کنند دولت مجاز است که جواز ندهد و نغرد.

چرا؟ برای چه؟ خوب، هر چه بیشتر وارد کنند که برای دولت بهتر است. پس چرا جلوگیری میکنند ازین کار؟ این مطلب در بنیادی نظر به خاطر هر کس اینطور میرسد.

چنانچه آقابان در شور اول مکرر این مطلب را اظهار فرمودند و آقای وزیر فواید عامه جوابی که به آقابان دادند در واقع همه را بک مطلب فرمودند و آن این بود که فرمودند ممکنست بخواهند یک قند و شکر زیادی که بیشتر از احتیاجات مملکت باشد وارد کنند و دولت نتواند خریداری نماید به این واسطه می خواهیم محدود کنیم که اگر همچو صورتی پیدا شد که خواستند قند و شکر بیش از احتیاجات مملکت وارد کنند دولت مجبور نباشد بخرد و در مضیقه نیفتد.

بنده این جواب را کافی نمی دانم در مقابل معظوراتی که در این ماده هست اگر منظور دولت اینست انرا می تواند بطریق دیگری تأمین نماید یعنی بگوئیم مؤسسه انحصاری مجبور نیست که بیش از آن قدری که قند لازم دارد حکماً خریداری کند...

(همه هم بین نمایندگان)

**وزیر فواید عامه** - مقصود هم همین است.

دولت آبادی - توجه کنید بعرض من: امام غمخوراتی که برین ماده میباشد بنده از آن نقطه نظر مخالفم اینست که ممکنست این ماده سلب بشود که اشخاص متنفذ اشخاص متمول و اشخاصی که می توانند برون یک ذمه یک مبلغ زیادی بدولت بدهند برون یک جواز فوق العاده بگیرند و آن وقت فردا یک بیچاره که می رود جواز بگیرد با جواب می دهند که مطابق این دفتر و نمره فلان اندازه به فلاک کس جواز داده ام و دیگر احتیاج نداریم شما بروید از آجای فلان اجازه

اینست که دولت مطابق ماده اول انحصار را داشته باشد.

این یکی بعد اجازه راهم بدهد این دولت با تمام هم یک من دوقرآن بس بگیرد این سه تا بعد هم تجار کار خودشان را میکنند و اهالی مملکت هم قدرتا به قیمت خودش میخورند و اگر بنا شود قند در خارج یک من چهار تومان خرید شده بود.

این جا مردم یک من شش تومان می خریدند.

ولی وقتی که در خارج یک من سه تومان خرید شده بود.

این جا مردم یک من پنج تومان می خریدند و بهمان نسبتی که در خارج گران یا ارزان باشد در داخل هم فرق می کند و سالی مبلغی از مایه مملکت بخارج می رود و بنده تصور می کنم این ماده هیچ معنی ندارد.

اولاً دولت از کجا می فهمد که در داخله مملکت قند زیاد است یا کم است تا بنیاً تجاری می آید اجازه از وزیر مالیه یعنی از مؤسسه انحصاری می خواهد می گوید من اجازه ورود قند می خواهم باو اجازه می دهند که برویک میلیون قند وارد کن.

آنوقت فردا اگر بنده که تاجر قند هستم خواستم قند وارد کنم اداره گفت آقا بقدر کافی قند آمده و فلان آدم اجازه گرفته که قند وارد مملکت کند و وارد هم کرده یا در حال وارد کردن است تکلیف من چه خواهد بود؟

بنا بر این این ترتیب اجازه دادن نتیجه اش این می شود که انحصاری را که دولت برای خودش می خواسته است در دست آن یک نفر تجاری می افتد که اول می رود اجازه قند را می گیرد و البته اداره هم با آن تجاری که طرف خصوصیت و ملاحظه است اجازه می دهد.

بعد تجار دیگر که می روند اجازه بگیرند می گویند ما یک ملیون اجازه داده ایم و آن تاجر هم وارد کرده یا میکند و دیگر لازم نداریم.

و چون در مملکت بقدر احتیاجات قند هست دیگر بشما اجازه داده نمیشود (این جواب را بآن شخص می گویند) آنوقت نتیجه اش چه میشود؟

این می شود که انحصار در دست یک عده تاجر می افتد و سایرین محروم میمانند آنوقت آنها چه خواهند کرد؟

قند را یکمن دو تومان وارد میکنند و یکمن چهار تومان می فروشند و بیک عده تاجری که از این راه امرار معاش می نمایند ضرر می خورد و آن مقصودی را هم که دولت در نظر دارد تأمین نمیشود.

ولی هر قدر زیادتیر قند وارد مملکت شود دولت یک من دو قرانش بیشتر می شود.

پس باید دولت اجازه بدهد که هر کس هر قدر قند می خواهد وارد کند آزاد است و البته در نتیجه این اجازه که دولت می دهد هر قدر قند بیشتر وارد شود و رقابت تجاری در بین باشد در نتیجه هم آن چیزی که منظور نظر دولت است بعمل میخورد و اگر بنا شود قند در خارج یک من چهار تومان خرید شده بود.

بنابر این عقیده بنده اینست که ماده شش می بایست اساساً حذف شود و با اگر نظر اینست که دولت یک وقتی خودش انحصار را اداره نماید بایست این ماده اینطور اصلاح شود که اگر دولت خواست انحصار را اداره نماید اگر کسی گفت بیا این قند را بخر بگیرند و آزاد کنند که دارم و نمی خرم.

و الا اگر بیک عده از مردم اجازه بدهد و بیک عده دیگر بگیرد نمی دهم این نیست.

زیرا نتیجه اش افتادن انحصار در دست یک عده از تجار می شود که آنها هم قند را گران می فروشند و آنوقت بالاخر هم یک عده از تجار قند فروش بی یا می شوند و هم آنهایی که قند مصرف می نمایند قند گران میخورند.

این بود عقیده بنده که عرض کردم و معتقدم که بایست این ماده اصلاح شود.

**وزیر فواید عامه** - یک اصلی در دنیا اتخاذ شده است که متأسفانه دولت ما برخلاف آن اصل رفتار می کند و آن این است که قوانین را نباید پایه اش را روی سوء ظن گذارد بلکه باید روی حسن ظن باشد.

**بعضی از نمایندگان** - اینطور نیست برعکس است.

**وزیر فواید عامه** - در اینجا این طور نیست ولی متأسفانه در دنیا این طور است.

در حال آقابان دو مطلب را می خواهند همیشه ملحوظ فرمایند و باین جهت است که نتایج مختلفه حاصل میشود که باینکد بگر متضاد هستند.

قصد دولت از تقدیم این لایحه چیست؟ اینست که برای رسیدن بمقصودش که ایجاد راه آهن باشد عایداتی بیبه کند.

البته مقتضی است تصور بکنیم که خود دولت ذی علاقه است که هر چه عایدات بیشتر باشد بهتر است و البته این قسمت محل کلام و تردید نیست.

خود آقای مصدق السلطنه بهتر از اغلب آقابان مطلع هستند زیرا عضو کمیسیون اقتصادیاتی که از طرف مجلس انتخاب شده بود هستند.

در ابتدا تمام مساعی صرف این شده که اکتفا شود فقط بپادان جواز رسیدن یک

حقی بدولت خود ایشان کاملاً در جریان امر بوده و مسبق هستند و هنوز هم امیدواری می رود که دو ضمن عمل بهمین ترتیب رفتار شود یعنی بدون تأسیس یک مؤسسات انحصاری و بدون برقراری مؤسسات انحصاری از کلیه قند و شکر و چای که وارد ایران می شود دوقرآن و شش قرآن گرفته شود و بعد بصاحبش داده شود.

و اگر باین ترتیب عمل شود آنوقت قهرآ ماده شش که در اینجا ذکر شده است بی معنی و لغو است.

زیرا وقتی که در ضمن ورود از مقدار قند و شکر و چای که وارد می شود فقط مکلف باشند حقی بگیرند و آزاد کنند که وارد مملکت شود.

در اینصورت البته دیگر شما مقید نخواهید بود که بیش از احتیاجات مملکتی قند وارد نمایند و البته مشخص احتیاجات مملکتی که خریده و فروخته است و مشخص رواج بازار این متاع خواهد بود هر قدر لازم بدانند وارد می کنند و آزاد خواهند بود.

اما اگر مطابق این ترتیبی که در این لایحه پیش بینی شده است دولت مجبور شود انحصار را بموقع اجرا بگذارد آنوقت چه باید کرد.

باین معنی که بهر علتی از هلی که تصور فرمایید دولت مجبور بشود کلیه معامله قند و چای و شکر را منحصر بخود نماید.

البته فرض مجال که مجال نیست وقتی که اینکار منحصر باین مؤسسه شد آنوقت این مؤسسه مکلف است هر مقدار قند وارد سرحد می کنند بخرد و البته این الزام و این تکلیف هم برای دولت و آن کسی که این مؤسسه را اداره میکند هست.

مگر اینکه مقنن بموجب یک ماده قانونی اجازه داده باشد که بیش از احتیاجات مملکت حق دارد نغرد.

اگر آقابان ماده اول را به دقت ملاحظه فرمایند خواهند دید که این الزام یعنی خرید و فروش و صدور کلیه قند و چای و شکر و مواد قندی که وارد خاک ایران می شود منحصر بدولت است. بنابراین اگر انحصار جاری شد آن وقت این اجازه که بدولت داده می شود بخرد باید بر طبق یک ماده قانون باشد و آن هم این قسمت از ماده است که دولت می تواند بگیرد نظر به اینکه به موجب این ماده بهمن اجازه داده شده که بیش از احتیاجات مملکت و مقدار لازم نغرم به این جهت خریداری نمی کنم.

حالا شاید بعضی از آقابان بگویند دولت نغرد دیگر اجازه ورود چرا بدهد؟

عرض می کنم وقتی که انحصار شد وقتی که تجارت قند و شکر و چای در دست دولت شد دولت نمی تواند برای خودش رقیب ایجاد کند.

زیرا در همان حالی که تجارت قند و چای را دولت در دست خودش می گیرد ممکن است همان تاجر بدی را که آقای مصدق السلطنه فرمودند بایست یک مقدار زیادی قند وارد نماید و به یک قیمت نازل بفروشد و تمام قند و شکر که در دست دولت است بدون خریدار بماند.

لهذا به این دو علت اگر انحصار برقرار شد یعنی اکتفا بپادان اجازه تنها نشد و انحصار عملی اجرا شد دولت مکلف است اجازه ورود مازاد احتیاجات مملکت را ندهد که در نتیجه برای خودش رقیب ایجاد کند.

(بعضی از نمایندگان اظهار نمودند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

**رئیس** - رأی می گیریم به کفایت مذاکرات. آقابان موافقت قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد. آقای حائری زاده.

(اجازه)

حائری زاده بنده تصور می کنم با توضیحات کافی که آقای مصدق السلطنه در این موضوع دادند دیگر اظهاراتی که من بنمایم خارج از لزوم است برای اینکه ایشان وزیر مالیه بوده اند و در موقع عمل به معایب بهتر برخوردند و اگر این ماده نباشد آن وقت این نظری را که آقای وزیر فواید عامه خیلی با حارارت می خواهند به مجلس بقبولانند تأمین می کنند از شر این احتمالاتی هم که آقای مصدق السلطنه مذاکره فرمودند و آقای دولت آبادی مفصل بیان داشتند مردم راحت می شوند و اسباب نگرانی هم نخواهد شد. این است که بنده معتقدم این ماده پایه حذف شود.

**رئیس** - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

**رئیس** - آقای داود داود - بنده مخالفم.

**رئیس** - آقای شیروانی شیروانی - بنده مخالفم.

**رئیس** - آقای بیات بیات (اجازه)

**بیات** - مخالفم.

**رئیس** - آقای شریعت زاده شریعت زاده - مخالفم.

**رئیس** - آقای افشار افشار (اجازه)

**رئیس** - آقای میرزا رضاخان افشار - بنده موافقم.

رئیس - بفرمائید  
 افشار - عرض میکنم همانطور که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند این انحصار باید لوازم و موجباتش فراهم بشود زیرا اگر فراهم نباشد انحصار معنی نخواهد داشت و آقایان تصدیق می فرمایند که در این مملکت سرمایه باندازه کم است که یک نفر قند فروش میتواند با یک سرمایه مختصری تجارت نماید و منافعی هم ببرد  
 اگر بنا شد دولت اجازه بدهد بیک مؤسسات داخلی یا خارجی که هر مقدار که می خواهند وارد مملکت بکنند یک قسمت عمده سرمایه تجاران مملکت در حالت توقیف خواهد ماند.  
 ثانیاً مؤسسات داخلی یا خارجی ممکن است بواسطه آوردن مقدار زیاد قند در مملکت با تاجار داخله رقابت کنند و فروش قند را اختصاص بخودشان بدهند در این صورت سایر تجار مجبور هستند جنسشان را بیک قیمت کمتری بفروشند و البته ضرر مملکت و تاجار خواهد بود.  
 این است که اگر موجبات انحصار فراهم شود بهتر است و خوب است آقایان موافقت بفرمایند که بماده رای گرفته شود.  
 رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)  
 ارباب کیخسرو - بنده دلیلی غیر از دلایل خود آقا برای بدی این ماده نمی بینم با همان دلیل رقابت که فرمودند ممکن است یک احتمالاتی پیش بیاید و با آن توضیحاتی که آقای مصدق السلطنه دادند بنده زاد نمیخواهم داخل توضیحات بشوم و مطالب را واضح تر بگویم.  
 همین قدر بنده این ماده را کاملاً مخالف می دانم با مقاصد تجاران مملکت و عقیده ام این است که حذف شود  
 وزیر مالیه - استدعا می کنم آقایان خوب توجه بفرمایند بمرض بنده البته دولت تجارتی را که منحصر بخودش میکند برای این است که یک مایداتی برای خودش فراهم نماید والا بنده تصدیق دارم و از هیچ کس هم کمتر تصدیق ندارم که دولت حتی الامکان تجارت نباید بکند و باید تجارت را آزاد بگذارد.  
 از برای مردم و کسانی که کارشان تجارت کردن است و با این اصل مسلم (در نزد بعضی ها شاید مسلم نباشد ولی در پیش بنده مسلم است) که کار دولت تجارت نیست.  
 ولی گاهی اوقات دولتها مجبور می شوند با این اصل که خودشان هم مسلم دارند مخالفت نمایند چنانکه نظائر همه جا دیده شدو حالا هم میخواهیم یا غلط یا صحیح.  
 (ولی بعقیده خودمان تشخیص داده ایم

که صحیح است) مخالفت کنیم و این جاجائی است که مصلحت اقتضا دارد که با آن اصل مخالفت کرده و یک تجارتنی را مخصوص دولت کنیم که آن تجارت قند و چای است حالا چرا این کار را میکنیم؟  
 برای اینکه همان طوری که عرض کردم میخواهیم عایدات برای دولت خودمان درست کنیم و در عین اینکه این اصل را مسلم داریم و حتی الامکان ترجیح می دهیم که دولت تجارت نکند و باید تجارت بدست تاجار باشد میخواهیم یک طریقی را هم ایجاد کنیم که اگر مقصود ما حاصل شود یعنی آن مایداتی را که ما میخواهیم تحصیل بکنیم بدون اینکه انحصار را عملی کنیم.  
 یعنی منظوری را که آقایان دارند رعایت شود پس اولاً می آیم قاعده انحصار را قبول می کنیم و مجلس شورای ملی رای میدهد و از آرائی که تا بحال داده است معلوم شده که موافقت میکنند با دولت و تصدیق می کنند پیشنهادی را که دولت داده است.  
 بنابراین در این موقع اجازه میدهد بدولت که تجارت قند و چای را منحصر بخودش بکند.  
 ولی این اجازه را دولت نمی خواهد عمل کند در صورتیکه آن مقصود اصلی حاصل شود و حتی الامکان میخواهد باین انحصار قند و چای عمل کند.  
 اما این قانونی را که مجلس شورای ملی وضع می کند و اجازه که بدولت میدهد باید در نظر داشت که ممکن است دولت برخلاف میل خودش مجبور شود که باین انحصار عمل کند.  
 بنده مکرر در مکرر عرض کرده ام و بازم بعد از اظهاراتی که آقای وزیر فوائد عامه کردند عرض میکنم که دولت مایل و شایق نیست باینکه تجارت کند ولی پیش بینی می کند که شاید مجبور بشود و اگر مجبور شد که با انحصار عمل کند آن وقت آیا باید موفق بانجام این امر بشود یا نه؟  
 آیا باید بلوازم اینکار عمل کند یا نه؟ فرض بفرمایند آقایان آن روزی را که بنده احتمال کلی هم میدهم که پیش نیاید دولت مجبور شد باین انحصار عمل کند.  
 آن وقت دولت اعلان میدهد که هیچ کسی همین طوری که این قانون اجازه داده است حق ندارد قند از خارجه بخرد و وارد این مملکت کند و به لوازم تجارت عمل بکند مگر دولت آن قسمتی که هم نوشته شده است.  
 مگر با اجازه مؤسسه آن را هم در نظر داشته باشند که با آن عمل نخواهیم کرد بلکه همان کاری را که تاجار قند فروش امروز عمل میکنند می نمایم.

یعنی دولت بکارخانهای قندریزی و چای سازی که در خارج هستند بآنها که ماند میدهد سفارشی میدهد که فلان مقدار قند میخواهیم و برای ما حمل کنید  
 وقتی که دولت مجبور شد باینکار عمل کند آن وقت دو چیز لازم دارد  
 یکی اینکه باید مسلم باشد که خرید قند از برای دولت نامحدود نیست و کسی حق ندارد بدولت بگوید که من هر قدر قند دارم و میخواهم بفروشم تو باید بگیری  
 این را تصدیق دارید یا ندارید؟  
 اگر این اصل را تصدیق دارید که دولت این اختیار را باید داشته باشد که اگر یک روزی فلان سرمایه دار صد هزار خروار قند آورد دولت مجبور نباشد بخرد پس چه عیبی دارد  
 که این زادر قانون تصریح بفرمائید که دولت مجبور نیست که هر مقدار قند آوردند بخرد؟  
 اما اگر این ماد را قبول نکردید معنایش این است که آن وقت دولت این جر به رادر دستش ندارد که اگر قند زیادی آوردند بگوید نمی خواهم و نمی خرم.  
 مقصود ما اینست  
 اما چیز دومی که لازم است این است که در جایی که دولت مجبور شد خودش تجارت قند و چای را بکند اگر شما قبول بفرمائید مثل این است که مسئله انحصار را قبول نفرموده اید و اینهم معنی ندارد که خود دولت آن حق نداشته باشد که قند را بخرد و بفروشد  
 ولی در عین حال دیگری هم این حق را داشته باشد.  
 خوب اگر دولت مجبور شد اینکار را بکند.  
 کلی می کند ده من بیست من که نمی خرد صد هزار خروار که ماند می دهد و وقتی هم که بولش را داد می آورد در داخله  
 اما اگر اشخاص دیگری هم اجازه داشته باشند که قند وارد کنند البته ممکن است آنها یک وسائلی تهیه که قند را ارزان تر وارد کنند و بفروشند.  
 در این صورت یک چه چودولتی که پول داده وقتند آورده این جا اتبار کرده ولی بفروش نمی رسد چه حالی پیدا میکنند؟  
 مقصود ما از این ماده تأمین این دو منظور است یعنی این احتمالاتی که ممکن است پیش بیاید.  
 اگر پیش بیاید اگر پیش نیامد و دولت مجبورند انحصار بکنند  
 یعنی در روز اولی که این قانون گذشت تاجار قندهایشان را آوردند و این حقوق را دادند یعنی یک من دو قران و شش قران را برداختند و اشکال پیدا نکرد البته دولت هم باین فکر نمی افتد که به انحصار عمل نماید بجهت اینکه زحمت دارد.

در سردار دو البته دولت هم در دسترس بی حاصل برای خودش نمی خرد و این چیز هائی را که آقایان میفرمایند و این نگرانی هائی را هم که اظهار می نمایند هیچ مورد پیدا نخواهد کرد دولت هم بوجوب این ماده که در این قانون گذاشته شده بعضی اینکه بیک نفر جواز داد باید بدهد بدهد و اگر هم نداد باید بهیچ کس ندهد این معنای قانون است.  
 و اگر اجز اعدادارات هم تغلف کردند برای آنها هم که در این قانون مجازاتی معین کرده اند  
 و بالاخره باید یک طوری باشد که که دولت در مشکل واقع نشود و به مقصود خودش هم بنواند برسد.  
 حالا اگر این عبارت را میفرمایند خوب نیست و کاملاً مقصود ما را تأمین نمی کند بفرمائید اصلاح کنیم.  
 اما اینکه میفرمائید اصل این ماده باید حذف شود اینطور نیست  
 بنده اگر چه ندیدم آقای وزیر فوائد عامه در بیان ایشان حرارتی بخرج داده باشند ولی تصور میکنم تصدیق بفرمایند که بنده حرارتی بخرج ندم و با کمال خون سردی عرض کردم که مقصود ظاهر را باطن این است.  
 اگر این جر به بدست دولت داده نشود آن وقت اصلاً این لایحه هم تصویب شود بیفایده است و اجرا نخواهد شد و مقصود ما هم حاصل نمی شود.  
 ولی اگر این عبارت اصلاح لازم دارد بفرمایند البته مت هم حاضریم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کلامی است.  
 رئیس - مذاکرات کفافی است؟  
 جمعی از نمایندگان بلی  
 وزیر فوائد عامه اجازه بفرمائید آقایان عرض کنم نظر به اینکه این ماده یکی از مواد خیلی مهم است و از طرف دیگر مطابق اسامیکه خوانده شد و بعضی از آقایان فرمودند مخالف هستیم  
 بعضی از نمایندگان (بطور همهمه) موافق ندارند)  
 وزیر فوائد عامه - بسیار خوب لهذا بهتر این است که اگر آقایان تصویب بفرمایند این ماده ارجاع شود بکمیسیون قوانین مالیه  
 ولی مشروط به اینکه امروز عصر کمیسیون تشکیل شود و آقایان مخالفین هم قبول زحمت بفرمایند تشریف بیاورند در آنجا و توضیحات مفصلتری بشنوند  
 بلکه در اصلاح این ماده در هر صورت از نقطه نظر اهمیتش توافق نظری حاصل شود.  
 زیرا اگر این ماده رد بشود تمام لایحه موضوعش از بین میرود.  
 حالا اگر آقایان موافقت بفرمایند

کار جاع شود به آنجا و آقایان اعضاء کمیسیون هم عصری کمیسیون را تشکیل بدهند ماهم می آیم آقایان مخالفین هم اگر نظری دارند میفرمایند  
 قضیه را در آنجا حل میکنیم  
 منبر - کمیسیون امروز عصر هم هست از طرف کمیسیون هم تقاضای کنم مراجعه شود بکمیسیون.  
 رئیس - ۱۶ فقره پیشنهاد رسیده است مراجعه می شود بکمیسیون جلسه را ختم می کنیم پیشنهاد آقای رهنما (بشرح ذیل خوانده شد)  
 پیشنهاد می کنم نظر با اهمیت لایحه انحصاری قند و چای عصر امروز هم جلسه تشکیل شود.  
 رضوی - بنده مخالفم  
 رئیس - (خطاب با آقای رهنما) بفرمائید  
 رهنما مطابق معمول هر وقت که پیشنهاد برای تشکیل جلسه عصر می شود باید مخالفت کنیم ولی یک استثنا هائی هم گاهی داشته که آقایان رأی می دادند گمان می کنم یکی از آن موارد استثناء هم همین جا است زیرا مسئله این لایحه یک چیز سهل و آسانی نیست که با مسامحه و تغلل بگذرانیم و از طرف دیگری می شنویم که وارد میشود.  
 ماده ۷ ممکن است رد بشود و این یک مسئله مهمی است که از هر لحاظ در نظر جامعه مورد اهمیت است در این صورت چه ضرر دارد که امروز عصر هم جلسه را تشکیل بدهیم و در اطراف این لایحه مذاکره کنیم و تکلیفش معلوم شود و اقلاً بر روزه های عادی و لواایح عادی و غیر عادی اهمیت بدهیم.  
 ماعدات کرده ایم صبح بیائیم این جا ظهر برویم.  
 ولی این در یک مواقعی است که کار های مهمی نباشد.  
 ولی وقتی یک کارهای مهمی هست نباید اینطور بشود.  
 یک میلیون قند وارد میشود و ممکن است این تحریکات و انتریکات توسعه پیدا نماید.  
 ما نظر سوئی که نداریم ولی ممکن است یک تحریکات سوئی بشود.  
 بنابراین امروز عصر را حاضر می شویم آن وقت جلسه صبح را ممکن است طرفه برویم و بیائیم.  
 رئیس - عده برای رأی گرفتن کافی نیست.  
 جلسه آتی روز شنبه چهار قبل از ظهر مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا  
 منشی - شهاب  
 منشی - دکتر احتشام طباطبائی